



جامعه دوقطبی
بازداشت ضارب چارلی کرک



بازگشت به ایران
پروژه خروج اتباع شکست خورد؟



کاسب سنتی
به یاد اسدالله عسگراولادی



ادارات اضافی!

رئیس جمهور خبر داد: با توجه به اینکه بسیاری از کارمندان دولت عملاً کاری برای انجام دادن ندارند از رهبر انقلاب درخواست کرده تا برای صرفه جویی در انرژی، ساعات کاری آنان به چهار ساعت در روز کاهش یابد به گفته پزشکيان؛ حتی بسیاری از اداره‌ها و سازمان‌ها را می‌توان تعطیل یا در یکدیگر ادغام کرد

سازندگی بررسی می‌کند: آیا ایده بستن درهای ادارات گامی مثبت است یا نه؟



جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

اژدهای نظام اداری در حال مرگ است و جامعه ایران که سال‌ها اسیر این اژدهای هفت سر بود، تازه دارد خودش را از زیر دست و پای آن خارج می‌کند. چه کسی تصور می‌کرد که ابهت این نظام اداری پوشالی در این حد تنزل کند که رئیس‌جمهور، چاره را در خانه‌نشین کردن کارکنان دولت و بستن درهای بسیاری از اداره‌ها و سازمان‌های دولتی ببیند. اما ماجرا چیست و مسعود پزشک‌یان چه گفته است؟

رئیس‌جمهوری در سفر اخیر خود به استان اردبیل بر ضرورت اصلاح نظام اداری به عنوان یکی از راه‌های حل مشکلات منطقه‌ای و ملی تأکید کرد. او در نشست با مدیران محلی و فعالان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اردبیل، مدیریت را نه بر پایه رفاقت، قومیت یا جناح‌گرایی بلکه بر اساس شایستگی و تخصص توصیف کرد و گفت: سپردن مدیریت به افراد شایسته تنها راه حل مشکلات کشور است.

ادامه در صفحه ۶

تغییر معادله هسته‌ای

رمزگشایی از بیانیه شورای عالی امنیت ملی و نقش علی لاریجانی در خصوص توافق قاهره



یادداشت روز

چالش سن و مدرسه

درباره تصمیم جدید آموزش و پرورش برای کاهش سن دانش‌آموزان

پروانه مافی



عضو شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

امروز که بحث کاهش سن ورود به مدرسه از ۶ به ۵ سال در مجلس مطرح شده است، ضروری می‌دانم به عنوان کسی که سال‌ها در حوزه سیاست‌گذاری آموزشی فعالیت کرده‌ام، نسبت به پیامدهای چنین تصمیمی هشدار دهم. این طرح در حالی پیش روی نظام آموزشی کشور قرار گرفته که تجربه جهانی و یافته‌های علمی به روشنی نشان می‌دهد هر تغییری در این حوزه باید بر اساس شواهد و با محوریت منافع کودک صورت گیرد، نه با نگاه سیاسی و شتاب‌زده. نگاهی به کشورهای موفق در آموزش می‌تواند، چراغ راه ما باشد. در فنلاند، کودکان تا ۷ سالگی وارد آموزش رسمی نمی‌شوند و این سال‌ها صرف بازی، خلاقیت و رشد اجتماعی می‌شود. کارشناسان فنلاندی معتقدند کودک زیر ۷ سال، آمادگی تحصیل رسمی ندارد. در سوئد نیز سن ورود رسمی تاکنون ۷ سال بوده و قرار است از سال ۲۰۲۸ به ۶ سال کاهش یابد؛ اما این تغییر با انتقاد جدی متخصصان کودک‌شناسی مواجه شده چراکه آنان بازی‌محوری و یادگیری آزاد را در سال‌های نخست زندگی حیاتی می‌دانند. در سوئیس، کودکان از ۴ سالگی وارد «مدرسه کودکان» می‌شوند اما آموزش رسمی جدی از ۶ تا ۷ سالگی آغاز می‌شود و انعطاف بالایی برای توجه به تفاوت‌های فردی وجود دارد. در ایالات متحده نیز تحصیل رسمی از ۶ سالگی شروع می‌شود، در حالی که یک سال آمادگی پیش از آن اجباری است. مطالعات آمریکایی نشان داده‌اند، کودکانی که زودتر وارد مدرسه می‌شوند بیشتر در معرض برچسب‌هایی مانند بیش‌فعالی قرار می‌گیرند، در حالی که اغلب این رفتارها تنها ناشی از کم‌سن بودن آنان است. این تجارب نشان می‌دهد هیچ کشور موفق، آموزش رسمی را در ۵ سالگی آغاز نمی‌کند و فلسفه آموزشی آنان بر تطابق سن ورود با رشد ذهنی و اجتماعی کودک استوار است.

چرا ۶ سالگی مناسب‌تر است؟ مطالعات روان‌شناسی رشد تأکید می‌کند که کودک در ۶ سالگی به سطحی از آمادگی ذهنی، زبانی و حرکتی می‌رسد که می‌تواند محیط مدرسه را درک و با آن سازگار شود. تحقیقات در آلمان و آمریکا ثابت کرده است، کودکانی که دیرتر وارد مدرسه می‌شوند، در آزمون‌های شناختی نمرات بالاتری کسب کرده و حتی احتمال موفقیت دانشگاهی بیشتری دارند. همچنین کودکانی که زمان بیشتری در دوره پیش‌دبستانی سپری کرده‌اند از نظر مهارت‌های اجتماعی و سازگاری رفتاری برتر بوده‌اند. از سوی دیگر، افزایش یک سال در سن ورود می‌تواند بروز مشکلاتی مانند اضطراب، بی‌انگیزگی و تشخیص‌های نادرست پزشکی را کاهش دهد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، تشخیص بیش‌فعالی در میان کودکان کوچک‌تر کلاس‌ها به مراتب بالاتر است در حالی که تفاوت اصلی آنان تنها در سن تقویمی‌شان بوده است. این یافته‌ها بیانگر آن است که حفظ سن ۶ سالگی به عنوان نقطه شروع مدرسه، هم از منظر تحصیلی و هم روانی برای کودکان به‌صرفه‌تر است.

در مقابل، کاهش سن ورود به ۵ سالگی با مشکلات متعددی روبه‌رو خواهد بود. نخست اینکه کودکان ۵ ساله از نظر جسمی و روانی، توان تحمل ساعات طولانی کلاس و تکالیف آموزشی را ندارند. دوم آنکه زیرساخت‌های نظام آموزشی ما اعم از فضای مدارس و مهارت‌های معلمان برای پذیرش گروهی از کودکان با این سطح از ناپختگی آماده نیست. سوم کاهش سن با اصول رشد طبیعی کودک در تضاد است و می‌تواند، فرصت حیاتی بازی آزاد و کشف محیط را از او بگیرد. از همه مهم‌تر، اجرای چنین طرحی بدون پژوهش میدانی و بدون آزمایش در مقیاس محدود می‌تواند، نسلی از کودکان را با فشار آموزشی زودرس و پیامدهای بلندمدت روانی مواجه کند.

ادامه در صفحه ۸

پاستور

معاون راهبردی و پارلمانی رئیس‌جمهوری:

تنش‌های سابق
بین قوا دیگر وجود ندارد

معاون راهبردی و پارلمانی رئیس‌جمهوری با بیان اینکه امروز هماهنگی میان قوا در وضعیت بی‌نظیری قرار دارد، تأکید کرد: اکنون بسیاری از تنش‌ها و اصطکاک‌های پیشین بین دولت و مجلس وجود ندارد و بهترین زمان برای گفت‌وگو و بهره‌گیری از ظرفیت‌های یکدیگر است.

محسن اسماعیلی در دیدار با رئیس و معاونان مرکز پژوهش‌های مجلس با تأکید بر لزوم همکاری‌های مشترک گفت: می‌خواهم معاونت راهبردی و مرکز بررسی‌های استراتژیک، تشکیلاتی چابک و هوشمند باشند. ظرفیت‌های پژوهشی فراوانی در کشور وجود دارد اما بهره‌وری لازم فراهم نمی‌شود؛ باید تلاش کنیم، تحقیقات انجام‌شده در بخش‌های مختلف جنبه عملیاتی و اجرایی بگیرد.

وی افزود: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری می‌توانند مکمل یکدیگر باشند و تعامل ارزشمندی داشته باشند که استمرار این همکاری‌ها، نتایج بزرگی به همراه خواهد داشت. معاون راهبردی رئیس‌جمهوری اظهار کرد: طی سال‌های گذشته از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس استفاده کرده‌ام. بسیاری از این گزارش‌ها می‌تواند، کمک بزرگی به دولت باشد تا با سرعت بیشتری اجرایی شود چراکه بلافاصله در اختیار رئیس‌جمهوری و دیگر اعضای دولت قرار می‌گیرد. وی با بیان اینکه باید سازوکاری مشخص و مدون برای همکاری مشترک میان دو نهاد تعریف شود، تأکید کرد: شخص رئیس‌جمهوری در این زمینه همراهی جدی دارند و برای نظرات کارشناسی اهمیت زیادی قائل هستند. از سوی دیگر دولت نیز موضوعاتی دارد که نیازمند همراهی مجلس است و مرکز پژوهش‌ها می‌تواند، فهم مشترک میان دولت و قوه مقننه را ایجاد و تقویت کند.

اسماعیلی تصریح کرد: اگر ظرفیت‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک و مرکز پژوهش‌های مجلس با یکدیگر تلفیق شود، بی‌شک در بسیاری از امور شاهد تحولات مثبت خواهیم بود.

وی ادامه داد: امروز هماهنگی میان سه قوه در وضعیت بسیار مطلوب و حتی بی‌نظیری قرار دارد. اکنون بسیاری از تنش‌ها و اصطکاک‌هایی که قبلاً بین دولت و مجلس وجود داشت، وجود ندارد. این بهترین زمان برای گفت‌وگو و بهره‌گیری از ظرفیت‌های یکدیگر است.»

معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری تأکید کرد: در صورت نیاز باید توافق‌نامه سیاستی یا کارگروه مشترک ایجاد کنیم. دسترسی به داده‌های یکدیگر، امتیاز بزرگی است که آثار آن در عرصه عمل نمایان خواهد شد و آثار مثبت فراوان برای کشور به همراه خواهد داشت. رصد مشترک و نگاه مشترک به مسائل کشور باعث می‌شود، راحل‌های مشترک ارائه کنیم. این موقعیت بی‌نظیری است که باید از آن بهره‌مند شویم چراکه مسیر حل مسائل نظام را کوتاه می‌کند.

معاون رئیس‌جمهوری افزود: مجموعه مراکز پژوهشی حاکمیتی باید انسجام یابند و از همدلی و همفکری به همکاری برسند. از موضوعات مهم چابک‌سازی دولت و بازنگری در بودجه کل کشور است که هم رؤسای قوای مجریه و مقننه بر آن اتفاق نظر دارند و هم مقام معظم رهبری بر آن مهر تأیید زده‌اند چراکه اگر بودجه درست مدیریت شود و سازوکار رسیدگی به بودجه و عملیاتی و هدفمند کردن هزینه‌ها صورت بگیرد، اتفاق‌های خوبی در کشور رخ می‌دهد.

معاون راهبردی رئیس‌جمهوری، تدوین نظام تصمیم‌سازی و مدیریت بحران را از دیگر مصادیق نیازمند به همکاری برشمرد و گفت: مطالعات خوبی در معاونت راهبردی در این زمینه انجام شده که هم اختیارات دولت محفوظ باشد و هم نظارت مجلس برقرار شود.

اسماعیلی توجه به موضوع تشکیل‌های اجتماعی و محله‌محوری در حکمرانی را از دیگر اولویت‌های مطالعات مشترک خواند و گفت: این پژوهش‌ها به سرعت می‌تواند منتج به تصمیم و به عنوان راه‌حل مشترک عرضه شود.

در این نشست بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس با بیان اینکه هدف این نشست تقویت تعامل و همکاری است، گفت: تعاملات علمی و گفت‌وگوهای مشترک میان قوا، مجادلات سیاسی را کاهش می‌دهد. هرچه بیشتر درباره مسائل کشور گفت‌وگو کنیم و ارتباط بگیریم و راه‌حل‌های مشترک بیابیم، زمینه رسیدن به اهداف مشترک فراهم‌تر خواهد شد و با اطمینان خاطر بیشتری تصمیم‌گیری شده و به سمت حل سریع مسائل کشور خواهیم رفت.

تغییر معادله هسته‌ای

رمزگشایی از بیانیه شورای عالی امنیت ملی و نقش علی لاریجانی در خصوص توافق قاهره

فداحسین مالکی، عضو کمیسیون هم بیان کرد که همه اقدامات و توافقات صورت گرفته با نظر شورای عالی امنیت ملی انجام شده و هرگونه اظهارنظر درباره عدم تصویب شورا صحیح نیست. او یادآور شد که مجلس با وجود تعطیلی، حضور گسترده نمایندگان و بحث‌های سه ساعته با عراقچی ابهامات و دغدغه‌های جامعه را مطرح و پاسخ‌های وزیر امور خارجه را دریافت کرد. مالکی همچنین به بی‌اعتمادی جمهوری اسلامی به گروسی اشاره کرد و گفت که ایران در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه یا تعرض به کشور، اجرای توافق را متوقف خواهد کرد.

در نهایت، نظر جمعی مجلس این بود که توافق قاهره و سایر اقدامات هسته‌ای و توافقات بین‌المللی باید در چارچوب قانون داخلی و مصوبات شورای عالی امنیت ملی پیگیری شود و نمایندگان با جدیت بر اجرای این مسیر نظارت دارند.

دفاع تمام‌قد از عراقچی

مجتبی زارعی، عضو کمیسیون امنیت ملی روایت دیگری از جلسه ارائه داد و نوشت: گزارش عراقچی را از توافق مصر در کمیسیون امنیت ملی استماع کردیم. زارعی ۱۱ چارچوب خبری را درباره این گزارش تدوین کرده و در بخشی از آن نوشته است: «آیا عراقچی خودسرانه به مصر رفت؟ هرگز».

«آیا ایران نمی‌داند، گروسی خیبت و جاسوس است؟ کاملاً برعکس؛ ایران او را از مادرش بهتر می‌شناسد».

«معیار عراقچی برای مذاکره، سیاست‌های کلی نظام و دستور شورای عالی امنیت ملی بوده و از آنها تخطی نکرده است».

«نه تنها تعهدی به بازرسی‌های بی‌قید و شرط داده نشده بلکه آژانس پذیرفته، ایران در انتخاب بازرسان حق دخالت داشته باشد».

زارعی از این هم فراتر رفته و عراقچی را «سربازامین خط مقدم نظام» خوانده است. او هشدار داده که اگر وزارت خارجه روزی از مسیر تعیین شده نظام خارج شود شخصا برای استیضاح اقدام خواهد کرد.

از «برجام ۲» تا محرمانه‌سازی

با این حال، نشست مجلس و عراقچی بدون مخالف باقی نماند. حمید رسایی، نماینده تهران پس از پایان جلسه نوشت: «مراحل ششیه برجام در حال تکرار است». او به محرمانه ماندن متن توافق اعتراض کرد و پرسید: «اگر همه چیز به نفع ایران است، چرا محرمانه؟ مالک شریعتی هم عراقچی را متهم کرد که توافق قاهره را «سند افتخار شخصی» خود معرفی کرده است بی‌آنکه جزئیات را در اختیار نمایندگان بگذارد. در مقابل اما عباس عبدی در یادداشتی با عنوان «تدروها بازی را باخته‌اند؛ کشتی‌بان را سیاستی دگر آمده است» نوشت: «واقعیت این است که فارغ از هر نتیجه‌ای که از توافق عراقچی- گروسی حاصل شود، تدروها بازی سیاست را باخته‌اند و باید به فکر کار دیگری باشند؛ همان روزی که خبر تأیید صلاحیت پزشکیان را شنیدند باید می‌فهمیدند، کشتی‌بان را سیاستی دگر آمده است».

تغییر معادله هسته‌ای

نشست کمیسیون امنیت ملی بیش از آنکه درباره جزئیات فنی توافق قاهره باشد، پاسخی به روایت‌های تدروانه بود که توافق قاهره را «برجام دوم» می‌نامیدند و سعی داشتند، فشار و دوقطبی ایجاد کنند. پاسخ لاریجانی در قالب بیانیه رسمی شورای امنیت ملی پس از این نشست نیز معادله مذاکرات هسته‌ای را روشن‌تر کرد و نشان داد، مدیریت پرونده هسته‌ای از این پس در چارچوب نهادهای بالاتر و با محوریت او پیگیری خواهد شد. این جابه‌جایی، نشانه بازتعریف میدان بازی است؛ پرونده‌ای که حالا نه تنها یک موضوع دیپلماتیک بلکه عرصه‌ای امنیتی، راهبردی و چندلایه است. این تغییر همچنین این پیام را به داخل و خارج کشور مخابره می‌کند که تصمیم‌های اصلی در سطح کلان گرفته می‌شود و دولت تنها مجری است. بازگشت لاریجانی پس از دو دهه نشان می‌دهد که نظام در پی آن است تا با تلفیق تجربه سیاسی، مدیریت امنیتی و دیپلماسی منطقه‌ای، هم بر فشارهای خارجی غلبه کند و هم روایت واحدی از مسیر آینده هسته‌ای ایران ارائه دهد.

کلان امنیتی پیگیری می‌کند و این هم به معنای سخت‌تر شدن انعطاف‌پذیری و هم به معنای جدی‌تر بودن توافقات است. در سطح راهبردی هم، این تغییر با تکیه بر تجربه مذاکره و جایگاه سیاسی لاریجانی، تلاشی برای ایجاد توازن میان فشار خارجی و انسجام داخلی است.

عراقچی در مجلس

از دیگر سو نشست اضطراری کمیسیون امنیت ملی مجلس با حضور عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، بار دیگر نشان داد که پرونده هسته‌ای نه صرفاً یک موضوع فنی بلکه میدان اصلی منازعه‌های سیاسی در کشور است. ورود مستقیم شورای عالی امنیت ملی به ماجرا و صدور بیانیه رسمی درباره توافق قاهره، آغاز مرحله تازه‌ای از هماهنگی نهادی و تلاش



برای سامان‌دهی مسائل این حوزه و نیز نشانه‌ای از بازگشت پر قدرت این شورا به مرکز تصمیم‌گیری و آغاز فاز تازه‌ای از مدیریت امنیتی پرونده‌ای است که همچنان مهم‌ترین و پرهزینه‌ترین چالش کشور به شمار می‌رود. پیش از این نیز اعلام عراقچی درباره سپردن رسمی مدیریت این پرونده به علی لاریجانی، دبیر تازه منصوب شورای عالی امنیت ملی معنای سیاسی آشکاری را مخابره کرده بود؛ بازگشت یک بازیگر باسابقه به صحنه و تلاش نظام برای اعمال کنترل کلان بر سرنوشت مذاکرات حساس هسته‌ای.

نشست خوب و سازنده

شنبه شب، کمیسیون امنیت ملی میزبان عباس عراقچی بود؛ نشستی که بیش از ۳ ساعت به طول انجامید و موضوع اصلی آن، توافق اخیر ایران و آژانس در قاهره بود؛ توافقی که عراقچی پیش از این، آن را «چارچوبی تازه و متفاوت از گذشته» توصیف کرده بود. وزیر امور خارجه پس از حضور در جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس این جلسه را بسیار خوب و سازنده خواند و گفت که بحث بسیار مبسوطی در خصوص توافق اخیر بین ایران و آژانس داشتیم و من هم در حد توان خود به همه سوالات پاسخ دادم. وی افزود: «نمایندگان سوالات متعدد و دغدغه‌هایی داشتند که کاملاً محترم است و ناشی از حق نظارتی نمایندگان است که باید انجام دهند و باید به وظیفه خود در قبال مردم ایران عمل کنند و ما هم وظیفه داریم که به عنوان دولت و مجری پاسخگو باشیم».

رئیس دستگاه دیپلماسی ادامه داد: «بحث بسیار خوبی انجام شد و سؤالات مطرح و من توضیح دادم. برخی دغدغه‌ها وجود داشت که با هم همفکری کردیم درباره اینکه چگونه ادامه مسیر بهتر طی شود و ترفندهای دشمنان که در حوزه‌های سیاسی و بین‌المللی علیه مردم مشغول هستند را خنثی کرده و جلو برویم و منافع کشور را تأمین شود».

واکنش مجلسی‌ها

ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون پس از این جلسه اعلام کرد که نمایندگان بر مواجه عزتمندانه با غرب و آژانس تأکید کردند و خواستار اجرای بی‌کم‌وکاست قانون الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس و رعایت مصوبات شورای عالی امنیت ملی بودند.

ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی نیز بر صیانت از حقوق هسته‌ای ملت ایران و عدم پذیرش کوتاهی‌ها یا مماشات در اجرای قانون تأکید کرد و گفت که مجلس به طور مستمر بر انطباق توافقتنامه با قانون نظارت خواهد داشت. او افزود که توافقتنامه قاهره تنها در صورت اقدام خصمانه اروپایی‌ها یا نقض تعهدات از سوی آژانس کان‌لم‌پکن خواهد شد و در غیر این صورت اجرای آن ادامه می‌یابد.



عاطفه شمس

گروه سیاسی

پاسخ مستقیم شورای عالی امنیت ملی به ابهامات

دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی روز گذشته با صدور بیانیه‌ای رسمی، پشت عراقچی ایستاد. در این بیانیه آمده است که توافق قاهره در کمیته هسته‌ای شورا بررسی و تصویب شده، هیچ اقدامی بدون مصوبه این کمیته انجام نشده است، هرگونه تعرض یا بازگرداندن قطعتنامه‌های شورای امنیت، اجرای توافق را متوقف خواهد کرد و گزارش‌دهی ایران به آژانس درباره مراکز هدف حمله فقط پس از تأیید شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود. متن بیانیه شورای عالی امنیت ملی به شرح زیر است:

۱ متن این ترتیبات در کمیته هسته‌ای شورای عالی امنیت ملی مورد بررسی قرار گرفته و آنچه به امضا رسیده در مجموع همان چیزی است که مصوب این کمیته بوده است.

۲ کمیته هسته‌ای که متشکل از مسئولان ارشد نهادهای مختلف ذی‌ربط است در همه ادوار از جانب شورای عالی امنیت ملی مآذون به تصمیم‌گیری بوده و در این زمان نیز مطابق روال معمول عمل کرده است.

۳ در مورد تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت آژانس ایران که از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی مورد حمله واقع شده: اولاً؛ پس از ایجاد شرایط لازم امنیتی و ایمنی، ایران صرفاً گزارش خود را پس از کسب نظر شورای عالی امنیت ملی به آژانس ارائه می‌کند.

ثانیا؛ در مرحله بعد، روش‌های اجرایی همکاری بین ایران و آژانس در خصوص گزارش ارسالی به آژانس باید میان طرفین توافق شده و از جمله طبق رویه داخلی اجرای هرگونه اقدامی باید به تأیید شورای عالی امنیت ملی برسد.

۴ در صورت اتخاذ هر گونه اقدام خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران و تأسیسات هسته‌ای از جمله بازگرداندن قطعتنامه‌های مختومه شده شورای امنیت، اجرای این ترتیبات متوقف می‌شود.

این بیانیه نشان داد که علی لاریجانی نه تنها مدیریت پرونده هسته‌ای را بر عهده گرفته بلکه از این پس پاسخگوی انتقادات نیز خواهد بود.

دیپلماسی فعال با بازگشت لاریجانی

بازگشت لاریجانی به مدیریت پرونده هسته‌ای، یادآور دهه ۸۰ است؛ روزهایی که او به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده ارشد، نقش محوری در عبور ایران از تعلیق به سمت غنی‌سازی ایفا می‌کرد. اکنون پس از نزدیک به دو دهه، او دوباره در همان جایگاه قرار گرفته است اما این بار با پشتوانه‌ای پرنرگ‌تر: تجربه ریاست مجلس و شبکه‌ای گسترده از ارتباطات داخلی و خارجی. تفاوت امروز پرونده هسته‌ای با گذشته نیز این است که به ویژه پس از تجاوز نظامی اسرائیل به ایران، این پرونده از سطح وزارت خارجه به سطح «ملی-امنیتی» ارتقا یافته؛ تغییری که نشان‌دهنده اراده نظام برای تمرکز بیشتر بر مدیریت و افزایش اقتدار در برابر فشارهای خارجی است.

لاریجانی نیز از نخستین روزهای انتصابش نشان داده که قصد دارد، نقشی فراتر از مدیریت اداری داشته باشد. سفرهای اخیر او به عراق، لبنان و عربستان هم در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند؛ تلاش برای گسترش حلقه میانجی‌ها و کاهش فشارهای منطقه‌ای بر ایران. به نظر می‌رسد این سفرها دو پیام روشن دارد: اینکه پرونده هسته‌ای دیگر صرفاً به میز مذاکرات محدود نیست و به شبکه‌ای از پیوندهای منطقه‌ای و امنیتی گره خورده است و دیگر اینکه لاریجانی با اتکا به تجربه و روابط قدیمی خود به دنبال احیای تصویر چهره‌ای میانه‌رو و قابل اعتماد از خود در منطقه و فراتر از آن است.

ابعاد سه‌گانه تغییر

انتقال پرونده به شورای عالی امنیت ملی و بازگشت لاریجانی را در سطوح دیگری نیز می‌توان تحلیل کرد؛ در سطح داخلی، پیامی روشن به مجلس و تدروهاست که مرکز ثقل تصمیم‌گیری جای دیگری است و خط قرمزها را شورا تعیین می‌کند. در سطح سیاست خارجی نیز طرف‌های خارجی این پیام را دریافت می‌کنند که ایران پرونده را در سطح

جامعه دوقطبی

ضارب چارلی کرک بازداشت شد

یک روز پس از اینکه جوانی به نام «تایلر رابینسون» در ارتباط با قتل «چارلی کرک» حامی مشهور ترامپ دستگیر شد، هنوز انگیزه دقیق او از این اقدام مشخص نیست. رابینسون که دانشجوی سال سوم برنامه کارآموزی برق در دانشگاه دولتی یوتا بود، روز جمعه در خانه والدینش و در ۴۲۰ کیلومتری محل قتل بازداشت شد اما هنوز پلیس دقیقاً نمی‌داند، علت وقوع این قتل چه بوده است.

چارلی کرک، فعال محافظه‌کار ۳۱ ساله حامی دونالد ترامپ و بنیان‌گذار سازمان Turning Point USA بود که هفته گذشته هنگام سخنرانی در دانشگاه «یوتا ولی» هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. برخی معتقدند که فعالیت‌های او سبب جذب رای بسیاری از جوانان آمریکایی برای دونالد ترامپ شده بود.

این اتفاق نه‌تنها شوکی بزرگ به فضای سیاسی آمریکا وارد کرد بلکه به عنوان نمادی از بحران‌های چندلایه‌ای در جامعه این کشور مطرح شد. این حادثه در زمانی رخ داد که ایالات متحده با شکاف‌های عمیق نژادی، فرهنگی، اقتصادی و ایدئولوژیک دست‌وپنجه نرم می‌کند. ترور کرک به جای ایجاد وحدت ملی به میدان نبردی برای روایت‌های متضاد بدل شد؛ هر جناح با تفسیر خاص خود این واقعه را به ابزاری برای تقویت مواضع سیاسی‌اش تبدیل کرده است.

خاورمیانه

منطقه ناامن

گزارشی از سناریوهای پرخطر اسرائیل در خاورمیانه

«الی کوهن» وزیر انرژی اسرائیل در مصاحبه با پایگاه عربستانی «ایلاف» اعلام کرد، هر کس که ارتباطی با حماس داشته باشد، نمی‌تواند در هر مکانی در جهان با آرامش بخوابد. وی در مورد هماهنگی با آمریکا قبل از حمله اسرائیل به دوحه گفت: من می‌توانم بگویم که اسرائیل و آمریکا به صورت کامل هماهنگ هستند. ایالات متحده بزرگ‌ترین هم‌پیمان ماست و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا «عاملی مهم برای حمایت از ثبات در خاورمیانه است». در دوره ترامپ «شدت درگیری‌ها کمتر بوده» و من اطمینان دارم که توافق‌های صلح جدیدی در دوره کنونی وی امضا شود. کوهن در مورد قطر گفت که این کشور به ثبات منطقه‌ای آسیب می‌زند و با گروه اخوان المسلمین ارتباط دارد و این گروه فقط دشمن اسرائیل نیست بلکه دشمن تمامی کشورهای اسلام‌گرای میانه‌رو است. قطر یک منبع تأمین مالی برای ایران است. قطر در کنار ایران، ترکیه و لبنان؛ پناهگاهی برای «تروریست‌ها» فراهم می‌کند.

اظهارات این عضو کابینه امنیتی اسرائیل در حالی مطرح می‌شود که نهم سپتامبر مصادف با ۱۸ شهریورماه به نشست سران حماس در دوحه حمله کرد.

بر اساس گزارش رسانه‌های اسرائیلی این حمله به این دلیل صورت گرفت که تل‌آویو پاسخ حماس به پیشنهاد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا را مثبت ارزیابی کرده بود.

علاوه بر واکنش‌های جهانی نسبت به این تجاوز گمانه‌زنی‌هایی درباره حمله احتمالی اسرائیل به ترکیه و مصر نیز وجود دارد.

در سال‌های اخیر، تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه به‌گونه‌ای رقم خورده که تحلیل‌گران را واداشته‌اند تا سناریوهای غیرمحمتمل‌گذاشته را با جدیت بیشتری بررسی کنند. یکی از این سناریوها احتمال گسترش اقدامات نظامی اسرائیل به کشورهایی چون ترکیه و مصر است؛ دو بازیگر مهم و تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای که هر یک به نوعی در برابر سیاست‌های تل‌آویو ایستاده‌اند. هرچند از منظر تئوریک چنین احتمالی وجود دارد اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که موانع عملی، سیاسی و راهبردی این سناریو را به سطحی از بعید بودن می‌رساند که بیشتر در حوزه تحلیل‌های هشدارآمیز باقی می‌ماند تا واقعیت‌های میدانی. اسرائیل در سال‌های اخیر

تشدید قطب‌بندی سیاسی
پس از ترور کرک، محافظه‌کاران او را شهید راه آزادی بیان دانستند. رسانه‌های راست‌گرا با انتشار گسترده تصاویر و سخنرانی‌های او تلاش کردند تا کرک را به نماد مقاومت در برابر «استبداد فرهنگی چپ‌گرا» تبدیل کنند. تجمعات یادبود در ایالت‌های قرمز، پیام‌های حمایتی در شبکه‌های اجتماعی و درخواست‌ها برای برخورد با «تروریسم داخلی» از سوی جناح چپ، نشان‌دهنده افزایش حس تهدید در میان هواداران راست‌گراست. در مقابل، واکنش‌ها در جناح چپ با پیچیدگی بیشتری همراه بود. در حالی که رهبران حزب دموکرات خشونت را محکوم کردند، برخی فعالان مترقی با اشاره به نقش کرک در ترویج گفتمان‌های نژادپرستانه، ضد مهاجر و ضد دانشگاهی از ابراز همدردی عمومی خودداری کردند. این دوگانگی اخلاقی، جامعه را میان دو دیدگاه متضاد قرار داده است: یک‌سو بر قداست جان و آزادی سیاسی تأکید دارد و سوی دیگر بر خطرات گفتمان تفرقه‌انگیز و پیامدهای اجتماعی آن.

روایت‌سازی رسانه‌ای

رسانه‌های جناحی هر یک با روایت خاص خود به تشدید

فضای دوقطبی دامن زده‌اند. فاکس نیوز و رسانه‌های محافظه‌کار، ترور کرک را نتیجه مستقیم «نفرت‌پراکنی چپ‌گرایان» دانسته و خواستار برخورد قضایی با گروه‌های مترقی شده‌اند. در مقابل، سی‌ان‌ان و ام‌اس‌ان بی‌سی با تمرکز بر سابقه فعالیت‌های کرک، او را چهره‌ای جنجالی با میراثی بحث‌برانگیز معرفی کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی نیز به بستری برای انتشار اطلاعات نادرست، نظریه‌های توطئه و اتهامات بی‌اساس علیه نهادهای دولتی و خارجی تبدیل شده‌اند. هشتگ‌هایی مانند #JusticeForKirk و #NoMoreHate در ترند جهانی تبدیل شده‌اند، در حالی که برخی کاربران از «دست‌های پنهان دولت» یا «دخالت روسیه و چین» سخن گفته‌اند. این فضای آشفته، بی‌اعتمادی عمومی را به شدت افزایش داده و زمینه‌ساز رادیکالیزه شدن بیشتر کاربران شده است. ضمن آنکه این ترور یک نقطه عطف در کارزار اسرائیل برای ساکت کردن صدای مخالفان خود و منحرف کردن افکار عمومی جهان از جنایت‌های بی‌وقفه خود تلقی می‌شود.

شود. در سوی دیگر، مصر قرار دارد؛ کشوری که با اسرائیل توافق صلح کمپ‌دیوید را امضا کرده و روابطی نسبتاً پایدار با این رژیم دارد. با این حال نقش مصر به عنوان میانجی در منازعات فلسطینی، تلاش برای هماهنگی مواضع عربی و حمایت ضمنی از مقاومت فلسطین از دید اسرائیل می‌تواند، تهدیدی برای آزادی عملش باشد. حمله به مصر نه تنها توافق صلح تاریخی را نابود خواهد کرد بلکه می‌تواند، موجی از احساسات پان‌عربی را در سراسر جهان عرب شعله‌ور کند. صحرای سینا که در سال‌های گذشته با تهدیدات تروریستی مواجه بوده در صورت وقوع جنگ به سرعت به منطقه‌ای آشوب‌زده تبدیل خواهد شد. افزون بر این ایالات متحده که مصر را یکی از ستون‌های اصلی نظم منطقه‌ای می‌داند، واکنش تندی به چنین اقدامی نشان خواهد داد. روابط اسرائیل با واشنگتن، که یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های دیپلماتیک و نظامی این رژیم است، در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت.

با در نظر گرفتن این ملاحظات به نظر می‌رسد، اسرائیل به جای ورود به جنگ مستقیم، ترجیح دهد از ابزارهای غیرمستقیم بهره بگیرد. عملیات‌های اطلاعاتی، جنگ‌های سایبری، فشارهای دیپلماتیک از مسیر واشنگتن و حتی تحریکات رسانه‌ای همگی در زمره روش‌هایی هستند که تل‌آویو برای مهار ترکیه و مصر به کار خواهد گرفت. این روش‌ها ضمن حفظ سطحی از تنش و فشار از ورود به منازعه‌ای تمام عیار جلوگیری می‌کنند. اسرائیل به خوبی می‌داند که بی‌ثبات‌سازی منطقه، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت به برخی اهدافش کمک کند اما در بلندمدت می‌تواند به فروپاشی نظم امنیتی منجر شود که خود نیز بخشی از آن است.

در نهایت، تحلیل احتمال حمله اسرائیل به ترکیه و مصر بیش از آنکه بر پایه واقعیت‌های میدانی باشد بر اساس نگرانی‌های راهبردی و هشدارهای تحلیلی شکل گرفته است. این سناریو، اگرچه از نظر تئوریک ممکن است اما در عمل با چنان موانعی روبه‌روست که تحقق آن را بسیار بعید می‌سازد. اسرائیل در مسیر قدرت‌نمایی منطقه‌ای خود، ناگزیر است میان جاذبه‌های راهبردی و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی تعادلی محتاطانه برقرار کند؛ تعادلی که هرگونه بی‌احتیاطی در آن می‌تواند به بحرانی فراتر از مرزهای خاورمیانه منجر شود.



پیامدهای حقوقی و امنیتی

ترور کرک می‌تواند فبانه‌ای برای تغییرات گسترده در سیاست‌گذاری داخلی باشد. جمهوری‌خواهان احتمالاً از این حادثه برای اعمال محدودیت‌های جدید در فضای مجازی، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها بهره خواهند گرفت. طرح‌هایی برای افزایش بودجه امنیت داخلی، نظارت بر گروه‌های چپ‌گرا و محدودسازی فعالیت‌های دانشجویی در حال بررسی است. در سوی دیگر، دموکرات‌ها با چالش حفظ تعادل میان آزادی بیان و مقابله با افراط‌گرایی مواجه‌اند. برخی سناریوها خواستار تشکیل کمیته‌ای مستقل برای بررسی خشونت‌های سیاسی شده‌اند، در حالی که گروه‌های مدنی نگران سوءاستفاده از این حادثه برای سرکوب آزادی‌های مدنی هستند. ترور چارلی کرک نه آغازگر بحران، بلکه آشکارکننده عمق آن بود. در کشوری که خشونت سیاسی به بخشی از زندگی روزمره بدل شده، این حادثه به جای ایجاد وحدت، به میدان نبردی برای روایت‌های متضاد فرهنگی تبدیل شد.

امریکا

آیا ترامپ سکنه کرده؟

سلامت رئیس جمهور آمریکا زیر ذره‌بین رسانه‌ها

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، روز پنج‌شنبه در مراسم یادبود حملات ۱۱ سپتامبر در پنتاگون با افتادگی محسوس سمت راست صورتش توجه رسانه‌ها و افکار عمومی را به خود جلب کرد؛ موضوعی که بار دیگر گمانه‌زنی‌ها درباره وضعیت سلامت او را دامن زد. این مراسم به مناسبت بیست‌وچهارمین سالگرد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برگزار شد و حضور ترامپ در آن با توجه به ظاهر غیرعادی‌اش، بحث‌های تازه‌ای را درباره سلامت جسمانی او برانگیخت. پیش‌تر کاخ سفید در ماه ژوئیه اعلام کرده بود که ترامپ به نارسایی مزمن وریدی مبتلاست؛ بیماری‌ای که می‌تواند موجب تورم در پاها، مچ‌ها و بروز علائم دیگر شود. در ماه‌های اخیر، کودی‌هایی روی دستان ترامپ مشاهده شده که تم او، آن را ناشی از «دست دادن‌های مکرر» دانسته‌اند. همچنین غیبت ۴ روزه او از انظار عمومی بر شدت گمانه‌زنی‌ها افزوده است. بن میزلاس، معری پادکست MeidasTouchدر قسمت اخیر برنامه‌اش به ظاهر ترامپ در مراسم پنتاگون اشاره کرد و گفت: «ترامپ در این مراسم بسیار آشفته به نظر می‌رسید. صورتش افتاده بود، گیج و سردرگم بود، انگار نمی‌دانست کجاست». ترامپ که اکنون ۷۹ سال دارد، در صورت پیروزی در انتخابات و پایان دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش در سال ۲۰۲۹، ۸۲ سال سن، مسن‌ترین رئیس‌جمهور تاریخ آمریکا خواهد بود. برخی تحلیلگران، نشانه‌های اخیر را به کهولت سن او نسبت داده‌اند، در حالی که کاربران شبکه‌های اجتماعی، احتمال سکنه مغزی را مطرح کرده‌اند و افتادگی صورت را نشانه‌ای از آن دانسته‌اند. جرمی کاپلویتز، نویسنده و پادکستر در پلتفرم X با انتشار تصاویری از ترامپ نوشت: «این مرد ۱۰۰ درصد سکنه کرده، درسته؟» آدام کوچران، استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار تحقیقی نیز در واکنش به ویدیوهای مراسم گفت: «اسلامتی رئیس‌جمهور رو به افول است. او حتی نمی‌تواند سمت راست صورتش را کنترل کند». برخی کاربران با مقایسه تصاویر جدید ترامپ با ویدیوهای قبلی، مدعی شدند که تفاوت‌های ظاهری نشان‌دهنده استفاده از هوش مصنوعی برای پوشاندن علائم بیماری است. یکی از کاربران نوشت: «ترامپ امروز با ترامپ دیروز فرق دارد. آیا به همین دلیل از هوش مصنوعی استفاده کردند؟»

با وجود این شایعات گسترده، تاکنون هیچ منبع رسمی از جمله کاخ سفید یا خود ترامپ، سکنه مغزی را تأیید نکرده‌اند.



میان اسطوره و واقعیت

الگا توکارچوک نویسنده‌ای است که با روایت‌های چندلایه شناخته می‌شود



اُلگا توکارچوک (Olga Tokarczuk) یکی از برجسته‌ترین نویسندگان معاصر لهستان و اروپاست که توانست، جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۱۸ را دریافت کند. توکارچوک در اصل روان‌شناسی خوانده و مدتی به عنوان روان‌درمانگر کار می‌کرد اما خیلی زود نوشتن را جایگزین آن کرد. آثار او به خاطر ترکیب منحصر‌به‌فرد تاریخ، اسطوره، فلسفه و روایت‌های چندلایه شناخته می‌شوند. او نه‌تنها رمان‌نویس که اندیشمندی فرهنگی است که همواره به مرزها، جابه‌جایی‌ها و زندگی در میان‌بودگی توجه دارد. اقبال عمومی به آثار اولگا توکارچوک در سالیان اخیر به خصوص پس از کسب جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۱۸ به شدت فزونی گرفته است. با این حال توکارچوک، پیش از دریافت جایزه نوبل نیز به عنوان نویسنده‌ای صاحب سبک و نوآور نزد مخاطبین حرفه‌ای ادبیات از نامی شناخته شده و مطرح برخوردار بود.

رفت‌وآمدی میان گذشته و حال

به گزارش روزنامهٔ «فایننشال تایمز» جدیدترین ترجمهٔ انگلیسی رمان «خانهٔ روز، خانهٔ شب» این نویسنده لهستانی بازتاب گسترده‌ای در بازار کتاب‌های انگلیسی‌زبان داشته است. این رمان که با ترجمهٔ آنتونیا لوید منتشر شده هم‌چون «پروازها / Flights» که در سال ۲۰۱۸ با ترجمهٔ جنیفر کروفت برندهٔ جایزه بین‌المللی بوکر شد، مجموعه‌ای از روایت‌ها، افسانه‌ها، شایعات، حکایت‌ها، مراقبه‌های فلسفی و حتی دستوره‌ای آشنیزی است. راوی بی‌نام، همراه با شریک زندگی‌اش («آر») در دهکده‌ای دورافتاده در مرز چک سکونت دارند. جایی که تا سال ۱۹۴۵ بخشی از رایش آلمان بود. پس از جنگ، لهستانی‌هایی که از سرزمین‌های ضمیمه شده به شوروی آواره شده بودند، در خانه‌های آلمانی‌های کوچانده شده جای گرفتند. رمان خط داستانی پرزنگی ندارد و تنها گاه‌به‌گاه از زندگی مشترک این دو تصویری می‌دهد. در عوض خود دهکده شخصیت اصلی است؛ راوی در رفت‌وآمدی میان گذشته و حال خاطره‌ها

را گرد می‌آورد، با همسایه‌ها گفت‌وگو می‌کند و رویاها و تأملات فلسفی خود را روایت می‌کند. توکارچوک در کنار تاریخ و حافظه به هویت، دگرگونی و معنای خانه می‌پردازد. تأملات او از امور پیش‌پا افتاده تا ماجراهای فراواقعی را دربرمی‌گیرد: از شوخی‌های بازیگوشانه دربارهٔ قارچ‌ها تا پرسش‌های سنگین فلسفی. در فضلی، راوی در حالی که به همسایه‌اش کمک می‌کند، دسته‌های ریواس را برای فروش در بازار ببندد، نظریهٔ آرخمانس دربارهٔ منشأ جهان را توضیح می‌دهد. ما با مجموعه‌ای از آدم‌های غریب و اندوهگین ساکنان گذشته و حال دهکده روبه‌رو می‌شویم: مارک که باور دارد، پرنده‌ای در درونش لانه کرده و سرانجام از شدت افسردگی خود را حلق‌آویز می‌کند؛ آگو سوم، معلم لاتین که در جنگ جهانی دوم برای زنده ماندن ناچار به خوردن گوشت انسان شد و بعدتر به این یقین رسید که گرگینه است؛ فرانتس فروست که برای رهایی از کاپوس‌های ناشی

از سیاره‌ای تازه کشف شده، کلاهی چوبی بر سر گذاشت و سرانجام در جنگ جان باخت چون کلاه را با کلاه‌خود عوض نکرد. اما مهم‌ترین شخصیت مارتاست: همسایه سال‌خوردهٔ راوی و کلاه‌گیس‌ساز اسرارآمیز که اعتقاد دارد مو اندیشه‌های آدمی را در خود جمع می‌کند و اگر بخواهی چیزی را فراموش کنی یا از نو آغاز کنی باید موهایت را کوتاه کرده و در خاک دفن کنی. او همواره گریزان و دست‌نیافتنی است، هر بار تاریخ تولدی تازه برای خود می‌سازد و در زمان جابه‌جا می‌شود.

توکارچوک که بارها مرزهای سنتی رمان را جابه‌جا کرده در این اثر نیز به جای یک خط روایی منسجم، پارامبره‌ایی از زندگی را به هم می‌دوزد تا تصویر بزرگ‌تری از هویت و سکونت انسانی بسازد. رمان «خانهٔ روز، خانهٔ شب» پیش از آن‌که روایتی باشد از یک زن در دهکده‌ای مرزی، تلاشی است برای ثبت روح مکان. خانه‌ای که در عنوان آمده، استعاره‌ای است از دوگانگی بنیادین وجود: روز و شب، بیداری و رویا، واقعیت و خیال. هر داستانک، هر خاطره و هر شخصیت حاشیه‌ای به این ماتریکس افزوده می‌شود و جهان مرزی را می‌سازد که همیشه میان بودن و نبودن، حضور و غیاب، گذشته و اکنون معلق است. «خانهٔ روز، خانهٔ شب» مرز میان روایت و مراقبه را درهم می‌شکند و خواننده را دعوت می‌کند تا در میان تکه‌پاره‌های تاریخ و خیال، معنای تازه‌ای از خانه و زندگی پیدا کند.

رمان «خانهٔ روز، خانهٔ شب» اُلگا توکارچوک توسط رضوان برزگرحسینی به فارسی ترجمه شده و نشر گویا، آن را در سال ۱۳۹۹ منتشر کرد. نشر چشمه هم دو رمان «بچه‌های سبز» و «ابر استخوان‌های مردگان» او را با ترجمهٔ کاوه میرعباسی منتشر کرده و نشر خوب هم به‌تازگی رمان «ضیافت اشباح» توکارچوک را با ترجمهٔ قاسم مومنی منتشر کرده است. اولگا توکارچوک از نویسندگان معاصر در سبک ادبیات روان‌شناختی است. او در بیشتر آثارش، رویکردی مدرن به مسائل را پیش می‌کشد و غافل‌گیری‌های ادبی زیادی

به نوشته‌های خود می‌افزاید. تضاد، یکی از عناصر اصلی در داستان‌های توکارچوک است. او مفاهیم بحث‌برانگیز بسیاری را در آثارش به بحث می‌گذارد و ذهن مخاطب را به چالش‌های فکری عادت می‌دهد. اولگا توکارچوک همچنین در خلق و بسط پیرنگ‌های جنایی، اجتماعی و تاریخی، مهارت ویژه‌ای از خود نشان می‌دهد. بسیاری از مخاطبان و منتقدان قلم توکارچوک را با چاشنی طنزی گزنده به خاطر می‌آورند. علاقه به کاربرد زبان شاعرانه، توانایی خلق پیرنگ‌های داستانی پیچیده و نامتعارف با پایان‌بندی‌های تکان‌دهنده و توجه به دغدغه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی روز، بارزترین خصائص توکارچوک در مقام یک رمان‌نویس است. اولگا توکارچوک خود را فمینیست و از چپ‌گرایان لهستان می‌داند؛ با وجود تفدهای سختی که بابت موضع توکارچوک دربارهٔ وطن ارائه می‌شود، او خود را یک میهن‌پرست واقعی می‌داند.

نماد تقدس وطن

نقش بنیادین اسطوره‌هایی چون **آرش کمانگیر** در شکل‌گیری هویت ملی

تیر چابک و نیرومند. آرش یکی از شخصیت‌های اساطیری حماسه‌های کهن ایران است و پیشینه این حماسه به متون اوستایی که قدیمی‌ترین متن مکتوب ایرانی است، بازمی‌گردد. در یکی از یشت‌های کهن اوستا (تیر یشت، بند شش و هفت) چنین آمده است: «تیر ستاره درخشان فرهمند را می‌ستاییم که شتابان به سوی دریای فراخکرد بتازد، چونان پرنده‌ای در هواپرواز. آرش چابک تیر از سوی کوهی به سوی کوه دیگر انداخت و خداوند او را یاری کرد. آب‌ها، گیاهان و ایزد مهر راه را بر او گشودند تا تیر به هدف بنشیند». این روایت نشان می‌دهد که ریشه داستان آرش به کهن‌ترین لایه‌های فرهنگ ایرانی بازمی‌گردد.»

روایت ابوریحان بیرونی از آرش

این استاد زبان و ادبیات فارسی در خصوص سند و جایگاه آرش کمانگیر در متون تاریخی دورهٔ اسلامی عنوان کرد: «در متون تاریخی دورهٔ اسلامی نیز روایت آرش به تفصیل آمده است. اگرچه فردوسی در شاهنامه به داستان او نپرداخته اما مورخان و نویسندگان اسلامی به فارسی و عربی، این داستان را با جزئیات ذکر کرده‌اند. مطابق این منابع در روزگار پادشاهی منوچهر(یا به نقل برخی منابع، نوذر) ایران در برابر حملات افراسیاب ضعیف شده بود و بخش‌هایی از خاک کشور به تصرف دشمن درآمد. افراسیاب شرطی تحقیرآمیز گذاشت که پهلوانی ایرانی باید تیری پرتاب کند و همان تیر مرز میان ایران و توران را تعیین کند. هدف او چیزی جز تحقیر ایرانیان و تصرف خاک بیشتر نبود. در این شرایط خطیر، آرش کمانگیر داوطلب شد. او جان خویش را در چلهٔ تیر گذاشت، تیری از دماوند (یا رویان) تا سرزمین مرو پرتاب و مرز ایران و توران را مشخص کرد؛ بی‌آنکه وجبی از خاک ایران از دست برود. این اسطوره نه تنها داستانی حماسی بلکه نماد فداکاری و جان‌فشانی در راه وطن است. آرش به‌عنوان پهلوانی ملی، اسطوره تمامیت ارضی ایران می‌باشد؛ اسطوره‌ای که مبنای

آرش کمانگیر به‌عنوان پهلوانی ملی، اسطورهٔ تمامیت ارضی ایران است؛ اسطوره‌ای که مبنای آن فدا کردن جان برای حفظ خاک مقدس وطن است. فرزاد قائمی در گفت‌وگو با ایسنا با عنوان این مطلب و تأکید بر اینکه اسطوره‌ها در فرهنگ‌های بشری، نقش بنیادینی در شکل‌گیری فرهنگ ایفا می‌کنند، می‌گوید: «آن‌ها نخستین روایت‌هایی هستند که با کارکرد ایدئولوژیک پدیدار می‌شوند و مبنای رشد فرهنگ‌های مختلف قرار می‌گیرند. از همین رو در تمامی فرهنگ‌های بشری، ویژگی‌های مشترکی دارند که از آن‌ها به عنوان «الگوهای عام جهانی» یا همان کهن‌الگوها یاد می‌شود. در اساطیر ایرانی نیز این کیفیت‌ها وجود دارد. اسطوره‌های ایرانی نه تنها هستهٔ اولیه فرهنگ ایران را شکل داده‌اند بلکه در گذر تاریخ کارکرد ایدئولوژیک خود را نیز حفظ کرده‌اند. هرچند در طول زمان، تغییراتی در ایدئولوژی‌های حاکم رخ داده است اما از اهمیت اسطوره‌ها کاسته نشده و همچنان نقشی کلیدی در فرهنگ ایرانی ایفا می‌کنند.»

جایگاه ممتاز آرش

این استاد زبان و ادبیات فارسی با اشاره به این‌که شاهنامه فردوسی از این منظر جایگاهی ممتاز دارد، بیان کرد: «این اثر عظیم، تاریخ ملی ایرانیان را در طول هزار سال گذشته صورت‌بندی کرده و مبنای هویت ایرانی بوده است. اساطیری که در شاهنامه روایت می‌شوند، نقشی بنیادین در شکل‌گیری هویت ملی داشته‌اند. البته باید یادآور شد که اسطوره‌ها در افسانه‌ها نیز نمود یافته‌اند؛ هرچند افسانه‌ها بیشتر الهام گرفته از اسطوره‌ها هستند اما در فرهنگ عامه نیز روایاتی وجود دارد که تحت‌تأثیر همان کهن‌الگوهای اساطیری پدید آمده‌اند. یکی از برجسته‌ترین اساطیر ملی ایرانیان، اسطوره «آرش کمانگیر» است، پهلوانی که در متون اوستایی («آرش شیواتیر») نامیده شده است، یعنی دارنده

دیدگاه: یادداشت روز

هم‌سوئی با جهانِ تاریک مردگان

نگاهی به نمایش **جوادیه** به کارگردانی احمدرضا حجاززاده

کرده و با او وارد گفت‌وگو می‌شوند تا از طریق مونولوگ بتواند نگاهی اجمالی به زندگی درونی خود داشته باشد. از آنجا که در نمایش، بازیگران از جهانی ماورایی سخن می‌گویند و در فضایی جز زمین زیست می‌کنند، برداشتن دیوار چهارم به مثابه برداشتن پرده بین دو جهان نیز عمل می‌کند.



فریال آذری
منتقد
«جوادیه» یک نمایش ناتواورالیسم است که به دور از نمادگرایی، ایده‌آل‌گرایی و احساسات‌گرایی مرسوم بر جزئیات روزمره زندگی آدم‌هایی از طبقه فرودست و کم‌توان جامعه بر اساس واقعیات موجود در دهه ۶۰ خورشیدی شکل گرفته و تلاش می‌کند به پرسشگری بپردازد. می‌دانیم که در سبک ناتواورالیسم موضوعاتی مانند فقر، بی‌عدالتی، بیماری، مرگ و خشونت محور اصلی نمایش هستند و سعی بر آن دارد، تصویری صادقانه و بدون تزویر از زندگی مردم را در مقابل چشم‌ان تماشاگر قرار بدهد. شخصیت‌های نمایش ناتواورالیسم به‌عنوان نمایندگان از طبقه کارگر به مبارزه با بی‌عدالتی‌های اجتماعی، فقر و بی‌رحمی می‌پردازند. چنانکه در نمایش «جوادیه» این پرسشگری وجود دارد که چرا سکوت کرده‌ایم و اعتراض نمی‌کنیم؟
«جوادیه» تلاش می‌کند، باور واقعیت بدون تزویر را آنگونه که در بستر زمان رخ داده به مخاطبش نشان بدهد تا تماشاگر را با تاریکی وحشتناک جهان خود هم‌سو کند. برخاستن مردگان و سخن گفتن با زندگان از جهان تاریک مرگ برای همین هم‌سوئی است. چهار شخصیت نمایش «جوادیه» در قالب ۴ مونولوگ، تتهایی را که جبر زمانه به آنها تحمیل کرده، تداعی می‌کنند اما اکنون ارواح آنان تلاش دارد با زندگان (مخاطبان) ارتباط برقرار کنند تا شاید آیندگان را از دترمینیسیم مکانیستی برهانند. پیش از آن‌که هر رویدادی حلقه‌ای از یک زنجیره پیوسته و ناگسستگی از رویدادهای پیشین خود باشد، دیالکتیک موجود در «جوادیه» از طریق برداشتن دیوار چهارم بین مخاطب و نمایش حاصل می‌شود. بازیگران در این اثر نمایشی، وجود مخاطب را تصدیق



لغو تولید فیلم‌های اسکورسیزی شایعاتی درباره سلامتی این فیلمساز ۸۲ ساله مطرح شده است

شده است. جزئیات بیشتری درباره دلایل این تأخیر ارائه نشده است.

درباره دو پروژه مرموز اسکورسیزی هم هنوز با قطعیت نمی‌شود، صحبت کرد و هنوز مشخص نیست کدام پروژه‌ها هستند. قطعاً «زندگی عیسی» نیست چون این پروژه در حال بازنویسی است. از آنجا که احتمال چند همکاری بالقوه بین اسکورسیزی- دی‌کاپریو وجود دارد که هر یک می‌تواند، جلو بیفتد. «سیناترا»، «خانه»، «شیطان در شهر سفید» و فیلم مافیایی با بازی دواین جانسون که در هاولی اتفاق می‌افتد.

به این ترتیب فیلم ایتالیایی «خانه» از مرلین رابینسون مطرح می‌شود که اسکورسیزی با تاد فیلد و کنت جونز در ساخت آن همکاری می‌کند تا سه‌گانه‌ای بر اساس این رمان تحسین شده، بسازد. خلاصه داستان درباره جک، پسر ناخلف کشیش بوتون است که پس از ۲۰ سال دوری به خانه آمده است. او که در جوانی پاهوش و حبله‌گر بود اکنون یک الکلی است که به اندازه دو دهه راز دارد و اگرچه محبوب‌ترین فرزند پدرش است، همیشه با پدر سنتی خود در تضاد است.

درباره فیلم ایتالیایی اسکورسیزی / دی‌کاپریو از «شرط‌بندی» دیوید گرن هم که چند بار خبر ساخته شدنش مطرح شده، نام برده می‌شود ولی به نظر نمی‌رسد این فیلم فعلاً در صدر فهرست پروژه‌های اسکورسیزی جای داشته باشد زیرا او چندی پیش حتی اعتراف کرد که به دلیل ماهیت فیزیکی خسته‌کننده‌ای که ساخت چنین فیلمی دارد، او تنها می‌تواند کارگردان فیلم باشد.

همه اینها در حالی مطرح می‌شود که به تازگی اسکورسیزی گفت به دلیل سنش، ساختن فیلم‌های بزرگ با ملحقات پرکار را کنار گذاشته است.

دی‌کاپریو در حال حاضر در حال تبلیغ «یک نبرد پس از دیگری» است و با توجه به هیاهوی اسکار پیرامون بازی او و فیلم، احتمال می‌رود، وی تا فوریه یا مارس مشغول تبلیغات باشد و همین امر هر تعهدی که ممکن است مجبور به فیلمبرداری با اسکورسیزی باشد به تأخیر می‌اندازد.

اوایل امسال، اسکورسیزی ۸۲ ساله گفته بود هیچ ایده‌ای درباره فیلم بعدی‌اش ندارد اما اذعان کرد که زمان به سرعت می‌گذرد و باید به سرعت شروع به کار کند. او گفته بود: نمی‌دانم قدم بعدی چیست؛ باید همین‌جا شروع کنم. اسکورسیزی از زمان فیلمبرداری «قاتلان ماه کامل» در سال ۲۰۲۱ سر صحنه فیلمبرداری نبوده و از آنجا که زمان به سرعت می‌گذرد، وقت آن است که وی با یا بدون دی‌کاپریو، کار بعدی خود را شروع کند.

دی‌کاپریو و اسکورسیزی تجربه‌های موفقی در کارنامه دارند و تاکنون در ۶ فیلم همکاری داشته‌اند از جمله «دارودسته‌های نیویورکی»، «هوانورد» و «رفتگان». آخرین همکاری آنها فیلم «قاتلان ماه کامل» در سال ۲۰۲۳ بود.

در حالی که قرار بود، مارتین اسکورسیزی و لئوناردو دی‌کاپریو تابستان امسال فیلم جدیدی بسازند، همه برنامه‌های وی لغو شده است.

اسکورسیزی تصمیم داشت، تابستان امسال یکی از دو پروژه جدید احتمالی خود را با لئوناردو دی‌کاپریو جلوی دوربین ببرد اما چنانکه مشخص است این کار ممکن نشد. اوایل تابستان امسال خبر انصراف ناگهانی دی‌کاپریو از فیلم «اول کنیول» به کارگردانی دیبین شزل- که قرار بود تابستان امسال فیلمبرداری شود- به دلیل تعهد وی به پروژه اسکورسیزی منتشر شد اما حالا روشن شده هیچ‌یک از پروژه‌ها جلو نرفته‌اند. در واقع دی‌کاپریو از بازی در فیلم «اول کنیول» بیرون آمد تا وفاداری خود را به مارتین اسکورسیزی ثابت کند. بدیهی بود که این تصمیم به دلیل سن این کارگردان شاخص گرفته شده بود. اسکورسیزی اکنون ۸۲ ساله است. هرچند کاملاً روشن نبود که این پروژه چه خواهد بود اما تا آنجا که قطعی به نظر می‌رسید، فیلم «جرم هاولی» با بازی دواین جانسون قرار بود، سال آینده فیلمبرداری شود. احتمالاً این فیلم اسکورسیزی «خانه» باید باشد که اقتباسی از رمان مرلین رابینسون خواهد بود.

ایمن دومین تابستان متوالی است که پروژه‌ای از اسکورسیزی به تعویق می‌افتد. این کارگردان قرار بود تابستان گذشته «سیناترا» و «زندگی عیسی» را پشت سر هم فیلمبرداری کند اما آن فیلمبرداری‌های برنامه‌ریزی شده به دلایل نامعلومی لغو شدند. این موضوع حتی منجر به انتشار شایعه‌هایی درباره سلامتی اسکورسیزی شد اما این فیلمساز تأکید کرد، برنامه‌ای برای بازنشستگی ندارد. این سوال مطرح است که پس از ساخت فیلم‌هایی پرکار و عظیمی مانند «ایرلندی» و «قاتلان ماه کامل» فیلم بعدی اسکورسیزی چه خواهد بود. قرار بود تولید «زندگی عیسی» در ماه اکتبر سال گذشته آغاز شود اما این پروژه هم به سرانجام نرسید.

۸ سال پیش هم مشابه همین اتفاق برای این کارگردان شاخص سینمای آمریکا رخ داد. او قصد داشت، فیلمی درباره فرانک سیناترا موزیسین و بازیگر مشهور آمریکایی بسازد. حتی برای ایفای نقش‌های اصلی فیلم با جنیفر لارنس و دی‌کاپریو هم مذاکره کرده بود و هر دو برای ایفای نقش در فیلم «سیناترا» انتخاب شده‌اند با این حال ساخت این فیلم هم دیگر محتمل نیست زیرا پیش از یک دهه است که بنیاد خانواده سیناترا، اسکورسیزی را از ساختن فیلم زندگی‌نامه‌ای درباره این خواننده منع کرده است. این کارگردان سال ۲۰۱۷ پروژه سیناترا را کنار گذاشت و در مصاحبه‌ای با نشریه «نورتو سان» گفت: ما نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم. فکر کنم بالاخره تمام شد. بنیاد سیناترا موافقت نکرد.

همان‌طور که ماه پیش می‌شد پیش بینی کرد، اسکورسیزی در نهایت امسال تولید هیچ فیلم جدیدی را آغاز نخواهد کرد و برنامه‌های وی به سال ۲۰۲۶ موکول



خواهد شد و جانم از تن جدا می‌شود اما جان خود را برای شما فدا می‌کنم.» سپس جامه از تن به در کرد، کمان را تا بناگوش کشید و تیر را رها ساخت. تیر تا اقصا نقاط خراسان، فرغانه و طبرستان پرواز کرد و در مرز ایران و توران فرود آمد. آرش پس از پرتاب تیر، جان باخت و بدنش متلاشی شد. خداوند به تیر او، نیرویی الهی بخشید تا مرز ایران حفظ شود. از آن زمان، روز سیزدهم تیر به عنوان جشن ملی «تیرگان» شناخته شد؛ جشنی که نماد حفظ وطن است. این روایت نشان می‌دهد که هزاران سال پیش، ایرانیان مفهوم وطن و تقدس آن را شناخته و برای حفظ آن جان فدا کرده‌اند. اوستا کهن‌ترین لایه این روایت را ثبت کرده و قدمت آن به بیش از هزار سال پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد. بدین ترتیب هویت ملی ایرانیان بیش از سه هزار سال پیشینه دارد.» این استاد زبان و ادبیات فارسی با بیان این‌که در حالی که بسیاری از کشورهای منطقه تنها پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در قرن بیستم شکل گرفته‌اند، ایرانیان هویتی ریشه‌دار و دیرینه دارند، گفت: «این پیشینه تاریخی باعث شده است که مفهوم وطن در ایران تنها بر اساس «منافع ملی» تعریف نشود بلکه فراتر از آن، وطن برای ایرانیان مفهومی مقدس و برتر از منافع شخصی و اجتماعی است. اسطوره آرش کمانگیر به روشنی این حقیقت را آشکار می‌کند که هویت ملی ایرانیان همیشه برتر و والاتر از منافع کوتاه‌مدت بوده است.»

«جوادی» به سقف آرزوهای انسان‌ها نیز نیم‌نگاهی دارد؛ آنجا که سیامک می‌گوید: «من تو سینما به دنیا آمدم، تو سینما هم مُردم»، جهان ساده او را ترسیم می‌کند. خواسته‌ها و رویاهای مرجان نیز دمدستی و ساده‌اند و از امنیت نداشته‌ای سخن می‌گویند که فرهنگ جاهلانه‌ای آن را پشتیبانی می‌کند اما همه آنها دست بسته تقدیرند. همین امر است که آنها را به زمین می‌کشاند تا به مخاطب بگویند پیش از آن‌که دیر بشود، برای رویاها و اهداف‌تان بجنگید. شاید می‌خواهند، چرخه تقدیر را از جهانی دیگر بشکنند و آدمی را به تغییر وا دارند چون همان‌گونه که در سوره رعد آمده: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيُوا حَتَّى يَخَيَّرُوا مَا يَأْتِفُسِيهِمْ». خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه آنان خود را تغییر بدهند و تلاش برای این تغییر در جهان آینده را در گذشته‌گانی که روزگاران زیادی را نزیسته‌اند به ما گوشزد می‌کنند.

نمایش «جوادی» می‌تواند یک تئاتر مستند باشد که با درام درآمیخته است تا مخاطب با مونولوگ‌های طولانی به ملال دچار نشود و تا پایان نمایش پرائزوی به تماشا بنشیند. «جوادی» نه در نور و موسیقی و آکسسوار صحنه، که حتی در حرکت بازیگران نیز مینی‌مال بوده و تکیه نه بر بدن که بر بیان بازیگران استوار است.

بازیگران پیش از آنکه کاراکتر باشند، تیپ بوده و رفتارشان مطابق با شغل، رتبه اجتماعی و محل زندگی آنهاست. گرچه کارگردان می‌توانست با پرداختن به هر کدام، آنها را شخصیت‌پردازی بکند اما ترجیح داده شده هر ۴ بازیگر در حد تیپ باقی بمانند. هرچند به نظر می‌آید، دلیل این موضوع با مرگ زود هنگام همه آنها مرتبط باشد چرا که آنها همگی پیش از تکوین شخصیتی به مرگ دچار شده‌اند.

نمایش «جوادی»، اثری سهل و ممتنع است. نوشتار کهد تاراج بسیار روان و ساده است. به نظر می‌آید، جمله‌ها صرفاً با به زنجیر کشیدن کلمات ساخته شده‌اند و مونولوگ‌هایی نسبتاً طولانی را شکل داده‌اند اما پردازش کلمات و چینش آنها برای ساخت فضا، چندان آسان نمی‌نماید و مستلزم درک فضا و شناخت کافی از آن تیپ است. بازی‌های یک‌دست بازیگران نیز از نقاط قوت کارگردانی اثر است.

با این همه باید ابراز امیدواری کرد که احمدرضا حجاززاده در امر کارگردانی توفیقات بیشتری حاصل نماید و شاهد کارهای درخشان‌تری از ایشان در آینده باشیم.

آن فدا کردن جان برای حفظ خاک مقدس وطن است. ابوریحان بیرونی در کتاب «التفهیم» روایت دیگری از این داستان نقل می‌کند. به گفته او، هنگامی که افراسیاب بر ایران چیره شد و منوچهر محاصره گردید، ایران در آستانه از دست دادن استقلال بود. در این هنگام یکی از فرشتگان مهم در فرهنگ باستانی ایران، «اسفندارمذ» (فرشته ماه اسفند و الهه زمین، مادر زمین) ظاهر شد و به منوچهر فرمان داد که تیر و کمانی الهی بسازد چراکه مرز ایران تنها با این تیر و کمان می‌توانست، حفظ شود. برای پرتاب این تیر نیاز به داوطلبی بود که جان خویش را فدا کند. آرش بدون درنگ برخاست.

او در منابع کهن، مردی دیندار معرفی شده است؛. این تعبیر بسیار مهم است و برای مخاطب امروز الهام‌بخش خواهد بود چراکه در فرهنگ ایرانی، دین و سیاست از هم جدا نیستند. کسی که دیندار است، نمی‌تواند نسبت به سرزمین خویش بی‌تفاوت بماند. هر کس به دینی باور دارد و اهل این سرزمین است باید برای آن جان خویش را فدا کند. این‌الگو در دوران معاصر نیز تکرار شد. در ۸ سال دفاع مقدس، جوانان این سرزمین با الهام از اهل بیت(ع) و شخصیت‌های بزرگ تاریخ تشیع همانند آرش جان خود را تقدیم سرزمین‌شان کردند. آرش در برابر همگان بدن سالم خود را به نمایش گذاشت و گفت: «ببینید! من از هر زخم و بیماری پاکم. یقین دارم که چون این تیر را ببندازم، بدنم پاره‌پاره

ادبیات نمایش، مختص یک طبقه خاص و یک دوره خاص است. چهار فرد هر کدام مسلک فکری متفاوتی را نمایندگی می‌کنند اما همگی آنها در مرگ نابهنگام محل زندگی طبقه اقتصادی مشترکند. آنها روایتگر زندگی خود در بستر ناکامی‌ها، امیدها، آرزوها، حسرت‌ها و دستاوردهای خویشند و نوشتاروی دهه ۶۰ را تداعی می‌کنند.

نمایش «جوادی» با ۴ مونولوگ که هر کدام به لحاظ تفکری متفاوتند، در عین شباهت‌ها به تفاوت‌ها نیز می‌پردازد. پنداری آنچه در چهارگوشه جوادی روی می‌دهد، نه در جوادی، که در چهار گوشه عالم اتفاق می‌افتد! ترس‌ها، شادی‌ها، دل‌بستن‌ها، دل‌کندن‌ها، فقر و دل‌تنگی دردهای مشترک بشرند که جوادی چون مشت نمونه خروار، آن را روی صحنه می‌آورد و با استفاده از آلمان‌های نوشتارویک در موسیقی، لباس به همذات‌پنداری مخاطبان کمک می‌نماید.



دیدگاه: یادداشت روز

رشد چشمگیر

دلیل رشد این روزهای بورس تهران چیست؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بازار سهام در دومین روز معاملاتی هفته با صعودی چشمگیر همراه شد و شاخص کل توانست با رشد ۴۶ هزار و ۴۹۳ واحدی معادل ۱٫۷۷ درصد، در ارتفاع ۲ میلیون و ۶۷۶ هزار واحدی قرار گیرد. شاخص کل هم‌وزن نیز همسو با این روند افزایشی حرکت کرد و با رشد ۸ هزار و ۵۶۷ واحدی معادل ۱٫۰۸ درصد به سطح ۸۰۲ هزار و ۲۶۳ واحد رسید. این رشد نشان می‌دهد که علاوه بر بزرگان بازار، بخش مهمی از سهام شرکت‌های کوچک و متوسط نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند، هرچند شدت ورود نقدینگی در نمادهای شاخص‌ساز بیشتر بوده است.

حجم معاملات دیروز به ۱۹٫۶ میلیارد سهم رسید و ارزش معاملات نیز عدد ۶ هزار و ۵۵۴ میلیارد تومان را ثبت کرد. مقایسه این ارقام با روزهای گذشته نشان می‌دهد که تقدشوندگی بازار افزایش نیافته و سهامداران حقیقی و حقوقی توانسته‌اند، حضور فعال‌تری در معاملات داشته باشند چراکه ارزش معاملات تغییر محسوسی نداشته است. از منظر قدرت خریداران، سرانه خرید به ۶۹٫۱ میلیون تومان و سرانه فروش به ۴۶٫۶ میلیون تومان رسید که حاصل آن نسبت قدرت خرید ۱٫۴۸ بود. این داده بیانگر برتری نسبی خریداران نسبت به فروشندگان و تقویت جو مثبت معاملات است.

یکی از مهم‌ترین تحولات دیروز، ورود سنگین پول حقیقی به بازار سهام بود. آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۱٫۲۲۹ میلیارد تومان نقدینگی جدید وارد سهام و صندوق‌های سهامی شد. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با خروج سرمایه ۱٫۱۶۵ میلیارد تومانی مواجه شدند. این جابه‌جایی سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد، بخشی از فعالان بازار که در هفته‌های اخیر ترجیح می‌دادند در فضای کم‌ریسک صندوق‌های با درآمد ثابت حضور داشته باشند، بار دیگر به سمت سهام بازگشته‌اند. این تغییر نگرش می‌تواند، نویدبخش افزایش تقاضا در نمادهای مختلف در روزهای آینده باشد. از میان نمادهای معامله‌شده در بورس و فرابورس ۶۱۳ نماد در محدوده مثبت و ۱۷۹ نماد در محدوده منفی به کار خود پایان دادند. این آمار نشان‌دهنده آن است که سبزپوشی در سطحی گسترده در بازار حاکم بوده و اکثریت شرکت‌ها توانسته‌اند با تقاضای بالاتر از عرضه مواجه شوند. همچنین بررسی ارزش سفارش‌ها، نشان می‌دهد که تقاضا در سمت خرید به ۱٫۸۲۵ میلیارد تومان رسید و ارزش سفارش‌های فروش در سطح ۱٫۷۹۰ میلیارد تومان ثبت شد. نزدیکی این دو رقم نشان می‌دهد که بازار در عین رشد با نوعی تعادل در عرضه و تقاضا روبه‌رو است و فشار فروش آنچنان سنگین نبوده است. بازار سهام در حالی کار خود را به پایان رساند که شاخص‌های اصلی با رشد پرقدرتی همراه شدند و شاهد ورود نقدینگی تازه به بازار بودیم. برتری تعداد نمادهای مثبت نسبت به منفی، افزایش ارزش و حجم معاملات، برتری سرانه خرید نسبت به فروش و خروج سرمایه از صندوق‌های درآمد ثابت همگی نشانه‌هایی از بازگشت اعتماد نسبی به بورس هستند. شاخص کل بورس برای نهمین روز متوالی در مسیر صعودی گام برداشت. در این ۹ روز نماگر اصلی بازار سهام موفق به ثبت بازدهی ۱۱٫۷ درصدی و فتح ۳ کانال مهم شده است. این در حالی است که بازدهی شاخص کل این بازار از ابتدای سال کاهش ۱٫۲ درصدی را به ثبت رسانده است. شاخص کل بورس با رشد ۱٫۷۷ درصدی توانست به سطح ۲ میلیون و ۶۷۶ هزار واحدی برسد. شاخص هموزن هم با رشد ۱٫۰۸ درصدی همراه و موفق به عبور از سطح ۸۰۰ هزار واحدی شد. در فرابورس نیز شاخص کل این بازار با افزایش ۰٫۹۲ درصدی همراه شد. در معاملات دیروز یک هزار و ۳۳۰ میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار شد و ارزش معاملات خرد بازار سهام نیز رقم ۶ هزار و ۵۵۵ میلیارد تومان را ثبت کرد. دلار آزاد که چند روزی است به سطوح کمتر از ۱۰۰ هزار تومان بازگشته، معاملات شب گذشته را در سطح ۹۷ هزار و ۸۰۰ تومان به پایان رساند. معاملات روز جاری در یک کانال بالاتر آغاز شد و اولین معاملات دیروز دلار در سطح ۹۸ هزار و ۳۰۰ تومان به ثبت رسید.

در ادامه شاخص ارزی در کانال ۹۸ هزار تومان پیشروی کرد. در بازار فیزیکی طلا و سکه نیز قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۸ میلیون و ۵۵۰ هزار تومان رسید و سکه امامی هم به قیمت ۹۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان مبادله شد.

ادامه تیتیر یک

ادارات اضافی!

مسعود پزشکیان در این نشست همچنین بر اهمیت اصلاحات اساسی در نظام اداری اشاره کرد و گفت: «به رهبری و نمایندگان مجلس گفته‌ام به ما اجازه بدهند و تصمیم هم می‌گیریم که این کار را بکنیم که کارمند ۹ بیاید و یک برود. کاری انجام نمی‌دهیم؛ کاری نداریم که انجام دهیم ولی برق و آب و گاز هم مصرف می‌کنیم.» او در بخش دیگری از سخنانش به سرانه ۱۷۰ میلیون تومانی هزینه ماهیانه نهاد ریاست جمهوری با احتساب هزینه فضای محل کار اشاره کرد و گفت: «کارمند برود در خانه‌اش بنشیند، حقوق و اضافه‌کارش را هم می‌دهیم اقلاً هزینه نمی‌شود.» او به ضرورت کوچک‌سازی دولت و ادغام سازمان‌ها و نهادها هم اشاره کرد و گفت: «باید خودمان را جمع کنیم. من آماده‌ام؛ خیلی از این سازمان‌ها و ادارات را می‌شود، درش را بست. ساختمانش را هم نمی‌خواهیم و آدم‌هایش را هم می‌شود، ادغام کرد.»

این اظهارات در حالی بیان شد که ایران با چالش‌های جدی ناترازی انرژی، تورم بالا و کسری بودجه مواجه است و آقای پزشکیان خانه‌نشین کردن کارمندان و پستن درهای سازمان‌های دولتی را به عنوان راهکاری برای صرفه‌جویی و افزایش کارایی مطرح کرده است.

هرچند برخی از منتقدان، ایده کاهش ساعت اداری را غیرواقعی، ناکارآمد و حتی توهین‌آمیز به کارمندان دولت می‌دانند اما برخی معتقدند حتی اگر دولت به طور کامل تعطیل شود، هیچ اتفاقی برای کشور نمی‌افتد.

برخی دیگر نیز معتقدند، کاهش ساعت کاری بدون افزایش بهره‌وری فقط به تعطیلی بیشتر ادارات منجر می‌شود، در حالی که بخش خصوصی حتی در شرایط قطع برق و آب به کار ادامه می‌دهد زیرا ملزم به پرداخت حقوق و مالیات است. مخالفان معتقدند که ایسن تغییر می‌تواند به کاهش تولید ناخالص داخلی، افزایش بیکاری پنهان و اختلال در خدمات عمومی مانند آموزش و بهداشت بینجامد به ویژه در شرایطی که ایران با رکود اقتصادی و تحریم‌ها، دست و پنجه نرم می‌کند. علاوه بر این منتقدان اشاره می‌کنند که کاهش ساعت کاری بدون اصلاح نظام پرداخت یا سرمایه‌گذاری در فناوری‌های هوشمندسازی نه تنها صرفه‌جویی واقعی ایجاد نمی‌کند بلکه می‌تواند به نابرابری دامن بزند؛ کارمندان با حقوق ثابت اما ساعات کمتر، ممکن است به کارهای دوم رو آورند که بهره‌وری کلی اقتصاد را کاهش دهد. در مقابل ایده بستن درهای برخی ادارهای دولتی از سوی موافقان به عنوان گامی مثبت برای کاهش بروکراسی و هزینه‌ها عنوان شده است. اما به نظر می‌رسد آقای پزشکیان به دلیل ناترازی تصمیم به کوچک کردن نظام اداری گرفته است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد، ایران با ناترازی شدید انرژی روبه‌رو است؛ مصرف برق در تابستان ۱۴۰۴ بیش از ۲۰ درصد از تولید فراتر رفت و هزینه‌های

دیدگاه: یادداشت روز

بن‌بست قدرت

مسیر صنعتی شدن روسیه چگونه به انحراف رفت؟

مهتا معرفت

تحلیلگر اقتصاد

در اوایل قرن بیستم، روسیه تزاری در آستانه تحولی بزرگ بود. قطارهای بخار در دشت‌های وسیع‌اش سوت می‌کشیدند و کارخانه‌ها در شهرها سر برمی‌آوردند. اصلاحات استولیپین به دهقانان زمین داده بود و اقتصاد با شستایی خیره‌کننده رشد می‌کرد. اما این رویای صنعتی شدن زیر سایه جنگ، انقلاب و تصمیمات فاجعه‌بار فروپاشید. چرا روسیه با وجود این شروع امیدوارکننده در صنعتی شدن پایدار ناکام ماند؟

شاید به این دلیل که روسیه در مسیر صنعتی شدن، رویکردی متمایز از سازوکار بازار را برگزید که بر دستور و نظارت دولتی استوار بود. این انتخاب و ناکامی نهایی آن

اداری دولت حدود ۴۰ درصد بودجه را می‌بلعد که با درآمدهای نفتی ناکافی به چاپ پول و تورم ۴۰ درصدی منجر شده است. اشاره به بزرگ بودن دولت نیز که مورد تأکید آقای پزشکیان است کاملاً حقیقت دارد؛ طبق گزارش‌های سازمان اداری و استخدامی بیش از ۲.۵ میلیون کارمند دولتی وجود دارند که بهره‌وری آنها حدود ۳۰ درصد کمتر از استانداردهای جهانی است. همچنین گزارش‌های دیوان محاسبات نشان‌دهنده اتلاف ۱۵ تا ۲۰ درصدی منابع در بخش دولتی است. منتقدان می‌گویند، پزشکیان با این سخنان مشکلات



را بزرگ‌نمایی می‌کند تا مسئولیت را به گردن ساختارها بیندازد، در حالی که دولت چهاردهم خود در اجرای اصلاحات کند عمل کرده مانند عدم پیشرفت در نقشه راه دولت هوشمند.

گام‌های معاون اول

پیش از این معاون اول نیز بخشنامه‌هایی برای اصلاح نظام اداری صادر کرده و اکنون زمان آن رسیده که این پرسش را مطرح کنیم؛ دولت چهاردهم برای اصلاح نظام اداری چه در سر دارد؟ مسعود پزشکیان همواره بر اصلاح نظام اداری به عنوان یکی از اولویت‌های کلیدی خود تأکید کرده است. این رویکرد نه تنها در برنامه‌های انتخاباتی پزشکیان ریشه دارد بلکه در اقدامات عملی دولت از جمله ابلاغیه‌ها و بخشنامه‌های اخیر نمود یافته است. پزشکیان که سابقه طولانی در عرصه مدیریت دولتی و نمایندگی مجلس دارد، نظام اداری را یکی از موانع اصلی پیشرفت کشور می‌داند و بر لزوم چابک‌سازی، شایسته‌سالاری و کاهش بروکراسی تأکید می‌ورزد. پیش از طرح نظرات رئیس جمهوری در سفر به اردبیل، معاون اول رئیس‌جمهور نیز بخشنامه‌ها و مصوباتی

ریشه در شرایط تاریخی و اقتصادی این کشور دارد. در میانه قرن نوزدهم، روسیه تزاری اقتصادی کشاورزی، منزوی و عقب‌مانده داشت. اما اصلاحات نوسازی اواخر قرن از جمله اصلاحات ارضی استولیپین، بهره‌وری کشاورزی را افزایش داد و روسیه را در کنار ژاپن میجی به یکی از اقتصادهای صنعتی دیر هنگام تبدیل کرد. با وجود رشد سریع، کشاورزی همچنان ۶۰ درصد اقتصاد را در سال ۱۹۱۳ تشکیل می‌داد و نظام ارباب‌رعیتی ناکارآمد، مانع اصلی بهره‌وری بود. جنگ جهانی اول، انقلاب ۱۹۱۷ و جنگ داخلی اقتصاد را فروپاشید. لنین با «کمونیسم جنگی» بازارها و مالکیت خصوصی را ملغی کرد که به قحطی و فقر گسترده انجامید. سیاست اقتصادی جدید لنین در دهه ۱۹۲۰ فعالیت‌های بازار را احیا کرد اما نظریه مارکسیستی، انتظار انقلابی در یک اقتصاد صنعتی داشت، در حالی که روسیه هنوز صنعتی

را برای پیشبرد اصلاحات در نظام اداری صادر کرده که مستقیماً به برنامه‌های دولت چهاردهم مرتبط است. یکی از مهم‌ترین اقدامات، ابلاغ برنامه اصلاح نظام اداری دولت چهاردهم در دی ماه ۱۴۰۳ توسط محمدرضا عارف است. این برنامه که در اجرای سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی مقام معظم رهبری و فصل بیست‌وسوم قانون برنامه هفتم پیشرفت تدوین شده در شورای عالی اداری تصویب و به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. بر اساس این بخشنامه، دستگاه‌ها موظف به اجرای اقدامات عملی برای استقرار شایسته‌سالاری از فروردین ۱۴۰۴ شده‌اند که رویکرد دولت را بر توجه به نظام‌های مدیریتی در عمل و اجرا متمرکز می‌کند.

دولت برنامه اصلاح نظام اداری را در ۶ محور اصلی تدوین کرده است. این برنامه، که از ابتدای دولت در حال مطالعه و تدوین بوده و توسط سازمان اداری و استخدامی کشور پیگیری می‌شود، نقشه راه حرکت نظام اداری را مشخص می‌کند. محور اول «اصلاح ساختار و معماری کلان دولت» بر حذف ساختارها و فعالیت‌های غیرضروری و موازی تمرکز دارد؛ چه در تصمیم‌گیری و چه در اجرا. در این محور، خدمات پرتکرار به استان‌ها، شهرستان‌ها، بخش خصوصی، نهادهای غیردولتی و شهرداری‌ها واگذار می‌شود تا دسترسی و خدمات‌دهی به مردم بهبود یابد. محور دوم، «مدیریت سرمایه انسانی» شامل نظام‌های فرعی مانند برنامه‌ریزی، جذب و تأمین، آموزش و توسعه، مشاغل، پرداخت و فرهنگ سازمانی است. این محور با انگارهایی چون عدالت استخدامی، داده‌محوری، تخصص‌گرایی و توانمندسازی کارکنان، ساماندهی کمی و کیفی نیروی انسانی را هدف قرار داده و انتظار می‌رود دولت از کارکنانی متخصص، توانمند و بالانگیزه بهره‌مند شود. محورهای دیگر شامل توسعه دولت الکترونیک و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، ساماندهی ساختمان‌ها و تجهیزات اداری متناسب با تغییرات، توجه به توانمندسازی کارکنان و ارتقای کیفی مدیران و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی است. سازمان اداری و استخدامی موظف به گزارش سالانه اجرای این برنامه به

رئیس‌جمهور و شورای عالی اداری است. علاوه بر این دستور مستقیم پزشکیان برای ساماندهی کارکنان دولت در نامه‌ای به دستگاه‌ها ابلاغ شده که بر اساس آن اسامی مشمولان استخراج و سامانه جدیدی برای ثبت اطلاعات راه‌اندازی می‌شود. این اقدام با موافقت مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام، امنیت شغلی نیروهای شرکتی را تأمین می‌کند و به افزایش انگیزه و تحول در سیستم اداری کمک می‌رساند. دولت پزشکیان اصلاح نظام اداری را نه تنها یک ضرورت فنی بلکه پایه‌ای برای وحدت ملی، توسعه عدالت منطقه‌ای و حل ناترازی‌های اقتصادی می‌داند. با وجود چالش‌هایی مانند تورم و تحریم‌ها، اقدامات عملی مانند ابلاغ برنامه ۶ محوری، هوشمندسازی دولت و تربیت مدیران جوان، نشان‌دهنده اهتمام جدی در این زمینه است. با این حال کارشناسان بر لزوم کوچک‌سازی دولت از نهاد ریاست‌جمهوری آغاز کردن و اصلاح ساختار سازمان اداری و استخدامی تأکید دارند تا ناکارآمدی‌ها ریشه‌کن شود. اجرای این برنامه‌ها، اگر با وفاق ملی و مشارکت همگانی همراه باشد، می‌تواند رضایت مردمی را افزایش دهد و کشور را از بحران‌های موجود عبور دهد.

نشده بود. استالین با اشتراکی‌سازی کشاورزی و برنامه‌های ۵ ساله، صنعتی شدن را شتاب داد اما این روند با هزینه انسانی سنگینی همراه بود. اشتراکی‌سازی، تولید کشاورزی را کاهش داد و قحطی گسترده، به‌ویژه در اوکراین، بین ۵/۸ تا ۱۰/۸ میلیون قربانی گرفت. صنعتی شدن شوروی، الگویی برای کشورهای در حال توسعه شد. دولت شوروی در ارائه آموزش فنی و مراقبت‌های بهداشتی موفق بود و بیماری‌هایی مانند آبله را زودتر از آمریکا ریشه‌کن کرد. اما این رشد شتابان پایدار نبود. ناکارآمدی‌ها، ائتلاف منابع و تمرکز تصمیم‌گیری در دست استالین به هرج‌ومرج اقتصادی انجامید. فساد و رانت‌خواری نیز گسترش یافت. پس از استالین، اقتصاد شوروی در تأمین کالاهای مصرفی ناکام ماند و به صادرات نفت و گاز وابسته شد. با سقوط قیمت نفت در دهه ۱۹۸۰ فشار برای اصلاحات شدت گرفت و تلاش‌های گورباچف به فروپاشی اقتصاد و نظام کمونیستی منجر شد. تجربه شوروی دو درس کلیدی دارد؛ نخست، کمونیسم یا سوسیالیسم با رشد بلندمدت ناسازگار است زیرا اقتصاد شوروی به بازارهای سیاه وابسته شد و توانست انگیزه‌های سودجویانه را مهار کند. دوم خودکامگی می‌تواند، رشد اقتصادی را در بلندمدت خفه کند. اگرچه رشد در نظام‌های خودکامه ممکن است، تجربه شوروی نشان‌دهنده پیامدهای ویرانگر قدرت سیاسی بی‌مهار است.



جدی نسبت به صداقت و دقت آمارهای ارائه شده، دامن می‌زند. از نظر اقتصادی، فشار بر منابع عمومی، بارانه‌ها و بازار کار همچنان ادامه دارد. بازگشت‌های آماری نتوانسته‌اند، بار سنگین اقتصادی ناشی از حضور مهاجران را کاهش دهند و همچنان شاهد تکن‌های شدید در زمینه اشتغال، خدمات عمومی و زیرساخت‌ها هستیم. این معضل در حالی باقی مانده که سیاست‌های بازگشت مهاجران همچنان توانسته‌اند، مشکلات زیرساختی را حل کنند. در سطح بین‌المللی، سیاست‌های مبهم و آمارهای متناقض خوراکی مناسب برای تبلیغات منفی علیه ایران فراهم می‌کند. گروه‌های حقوق بشری به ویژه به برخوردهای غیرانسانی در فرآیند بازگشت مهاجران اشاره کرده و این موضوع می‌تواند، تأثیر منفی بر وجهه ایران در عرصه دیپلماتیک و روابط بین‌المللی داشته باشد. بدین ترتیب این تناقضات نه تنها چالش‌های داخلی را افزایش می‌دهد بلکه در عرصه جهانی نیز ایران را در موقعیتی دفاعی قرار می‌دهد. آمارهای رسمی دولت درباره بازگرداندن بیش از یک میلیون افغان در تضاد با واقعیت‌هایی است که نمایندگان مجلس و گزارش‌های میدانی آشکار می‌کنند. دولت تنها خروج افراد را ثبت می‌کند اما بازگشت دوباره آنان به ایران را نادیده می‌گیرد، تا زمانی که سازوکاری شفاف برای پیگیری وضعیت مهاجران پس از بازگشت و کنترل واقعی مرزها وجود نداشته باشد این چرخه خروج و ورود مجدد ادامه خواهد داشت. نتیجه آن چیزی جز تداوم فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر ایران و بی‌اعتمادی بیشتر مردم به سیاست‌های مهاجرتی نخواهد بود.

آموزش

جدل بر سر پیش‌دبستانی

آموزش و پرورش علیه مهدکودک‌ها

مدیران مهدکودک‌ها اخیراً علیه طرح جدید وزارت آموزش و پرورش دست به اعتراض زده‌اند. آنها می‌گویند طرحی در دست تصویب است که آموزش و پرورش کودکان ۵ و ۶ سال را مستقیماً وارد مدارس می‌کند و عملاً نقش آموزشی مهدکودک‌ها را حذف خواهد کرد.
الله رضایی مجری پیشین تلویزیون و مدیر یک مهدکودک، هشدار داده است که با اجرای این طرح «نقش آموزشی مهدکودک‌ها از بین می‌رود و تلاش چند ساله مربیان برای آموزش اولیه کودکان بی‌ثمر می‌ماند». وی همچنین یادآوری کرده که بیش از ۷۰۰ مهدکودک در تهران فعالیت دارند و خبر داده است که مؤسسان مهدکودک‌ها در میدان بهارستان، تجمع اعتراضی برگزار خواهند کرد تا صدایشان به مسئولان برسد.
در پاسخ به این اعتراض‌ها، روابط عمومی سازمان تعلیم و تربیت کودک اعلام کرده، طرح جدید قصد حذف کودکان ۵ و ۶ ساله از مدارس را ندارد و هدف اصلی «آغاز زودتر فرآیند یادگیری» و توسعه پوشش پیش‌دبستانی عنوان شده است. به این ترتیب، آموزش رسمی کودکان ۵ و ۶ ساله همچنان از همان سن سابق آغاز می‌شود و پیش‌دبستانی نیز اجباری نیست.
به گفته روابط عمومی، سال‌های تحصیلی با همان ترکیب فعلی ادامه می‌یابد و تغییر مورد نظر صرفاً افزایش ضریب پوشش دوره پیش‌دبستانی دوم است. این تحولات در چارچوب مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی رخ داده است؛ شورای که اخیراً با تشکیل «سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک» ویژه گروه سنی ۳ تا ۶ سال نیز موافقت کرده است.
با این همه پرسش اصلی این است که آیا آموزش و پرورش می‌تواند جای خالی مهدکودک‌های خصوصی را پر کند؟ شواهد آماری نشان می‌دهد، پوشش پیش‌دبستانی در ایران بسیار پایین است؛ به‌عنوان نمونه نرخ پوشش از حدود ۷۲ درصد به زیر ۴۰ درصد رسیده و این کاهش بی‌سابقه در سال‌های اخیر نگران‌کننده است. اگر هدف گسترش آموزش پیش‌دبستانی است به نظر می‌رسد راه منطقی‌تر، مشارکت با مؤسساتی باشد که هم‌اکنون زمینه فعالیت دارند نه کنار زدن آنها.
مخالفت مهدکودک‌داران و هشدار آنها، ناظر به این واقعیت است که بودجه و تجربه بخش خصوصی پیش‌دبستانی طی سال‌ها سرمایه‌گذاری شده است. در نهایت شاید آنچه به این مناقشه جهت دهد، روشن شدن ابعاد اجرایی طرح و همراهی کارشناسان امر باشد.

تناقض آماری

این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که میان آمار رسمی و وضعیت واقعی شکاف وجود دارد. دولت تنها خروج افراد از مرز را ثبت می‌کند اما سرنوشت آنان پس از ورود به افغانستان را دنبال نمی‌کند. بنابراین آمارهای رسمی بیش از آنکه نشانه موفقیت باشد، گویی جنبه تبلیغاتی دارند. رنجبر نیز به همین نکته اشاره کرده که چون مهاجران دویساره بازمی‌گردند عملاً کاهش چشمگیری در جمعیت آنان دیده نمی‌شود.
نهادهای بین‌المللی نیز تصویر پیچیده‌تری ارائه می‌دهند. سازمان ملل و IOM گزارش داده‌اند که در سال ۲۰۲۵ بیش از یک میلیون و چهارصد هزار افغان از ایران «بازگشته یا مجبور به بازگشت» شده‌اند. اما این آمار شامل بازگشت داوطلبانه و اجباری است و خود سازمان‌ها تأکید می‌کنند بسیاری از این افراد دوباره به دلیل فشار اقتصادی راهی ایران می‌شوند.

پیامدهای تناقضات سیاست‌های مهاجرتی ایران

تداوم اختلافات میان ادعای دولت مبنی بر بازگشت میلیون مهاجران و واقعیت‌های مرزی به تدریج پیامدهای جدی و پیچیده‌ای در سطح داخلی، اقتصادی و بین‌المللی به همراه دارد. در عرصه داخلی، بی‌اعتمادی عمومی نسبت به آمارها و کارآمدی سیاست‌های دولت افزایش می‌یابد. مردم شاهد هستند که به رغم ادعای بازگشت شمار زیادی از مهاجران، حضور آنها همچنان در خیابان‌ها و بازار کار مشهود است و این تناقض به تردیدهای

جنبه‌های حقوقی و بیمه‌ای

از نظر حقوقی، آنچه اکنون مانع صدور گواهینامه برای زنان شده صرفاً یک واژه در متن قانون است. در تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ تصریح شده «صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای مردان برعهده نیروی انتظامی است». حقوق‌دانان تصریح می‌کنند که هیچ قانون یا آیین‌نامه دیگری منعی برای بانوان نداشته و این تبصره صرفاً تکلیف پلیس را در قبال مردان روشن می‌کند. به عبارتی، قانون کنونی در مورد زنان ساکت است و «خلاً قانونی» پدید آورده که راحشل اصلاح متن قانون یا ابلاغ تفسیر رسمی به پلیس است. راهکار اول این‌مند تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان است؛ دولت و حقوق‌دانان راه دیگر را صدور آیین‌نامه یا دستورالعمل می‌دانند که در آن صراحتاً مجوز صدور گواهینامه برای زنان را اعلام و به نیروی انتظامی ابلاغ شود. برای رفع دغدغه‌های اخلاقی برخی ناظران، می‌توان به راهکارهای اجرایی پرداخت. از یک سو، کلاه ایمنی استاندارد که هم‌اکنون در رانندگی موتور الزامی است مانع اختلاط خانم‌ها و مردان در ظاهر می‌شود و ضریب ایمنی بالایی دارد. از سوی دیگر قوانین راهنمایی و رانندگی موجود سخت‌گیرانه است و زنان نیز باید مانند مردان در دوره‌های آموزشی شرکت کرده، مهارت کسب کنند و پس از آزمون، گواهینامه دریافت کنند. به بیان دیگر مردم حق دارند از تسهیلات آموزشی و ایمنی بهره‌مند شوند تا رانندگی قانونمند داشته باشند و نه آنکه صرفاً بر اساس جنسیت محروم بمانند.

زنان قانون‌مندتر از مردان

نکته جالب در حمایت از مطالبه زنان، یافته‌های مطالعات تصادفات است. چندین پژوهش داخلی نشان می‌دهد که زنان در رانندگی رفتار منظمی دارند و سهم کمتری در حوادث رانندگی دارند. به عنوان مثال گفته می‌شود، خانم‌ها در رانندگی بسیار قانونمندتر و منظم‌تر عمل می‌کنند و سهم کمتری در تصادفات دارند. وضعیتی که به نظر می‌رسد در موتورسیکلت‌سواری هم تکرار خواهد شد. علاوه بر این، اصل ۴۶ قانون اساسی ایران، مالکیت وسایل نقلیه را حق همگان می‌داند و از منظر عدالت اجتماعی، نادیده گرفتن نیمی از جمعیت در دسترسی به حمل‌ونقل می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی بینجامد.

بازگشت به ایران

یک نماینده مجلس، افغان‌ها بعد از استرداد دوباره به ایران بازمی‌گردند



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

مطابق با اعلام دولت در مرزهای شرقی ایران، موج عظیمی از بازگشت مهاجران افغان در جریان است. به گزارش رسانه‌های دولتی، گذرگاه‌هایی مانند دوغان‌ون شاهد بازگشت روزانه هزاران مهاجر بوده است. برای نمونه، خبرگزاری ایرنا خبر داده که «به‌طور متوسط روزانه ۳ هزار مهاجر غیرقانونی افغان از طریق گذرگاه رسمی دوغان‌ون بازگردانده می‌شوند» و افزوده است که در مجموع نزدیک به ۹۴۰ هزار افغان در سال جاری از طریق همین گذرگاه به افغانستان فرستاده شده‌اند. وزارت کشور نیز مدعی است که در جریان طرح بازگشت در مجموع بیش از یک میلیون و هشتصد هزار نفر از اتباع غیرمجاز ایران خارج شده‌اند که از این تعداد، بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر مربوط به امسال بوده است. این ارقام تصویری از یک «خروج گسترده» ارائه می‌دهد اما در برابر این روایت، صدای متفاوتی از مجلس شنیده می‌شود. فضل‌الله رنجبر، سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس، هشدار داده است که بسیاری از مهاجرانی که ایران از «بازگشت» آنها سخن می‌گوید به سادگی دوباره به کشور وارد می‌شوند. او گفته است: «در مرزهای ما مسیرهای ورود و خروج فراوانی وجود دارد و این احتمال هست که مهاجران غیرمجاز بازگشته باشند». به بیان دیگر همان کسانی که در آمارهای دولت به عنوان «بازگشتی» ثبت می‌شوند، ممکن است چند روز بعد دوباره در ایران حضور داشته باشند. رنجبر همچنین یادآور شد که هیچ نهاد رسمی تاکنون آمار دقیقی از جمعیت مهاجران در ایران ارائه نکرده است؛ تخمین‌ها

شهر

یک قدمی گواهینامه

مطابق با اعلام مجلس به زودی مشکل گواهینامه موتور بانوان حل خواهد شد

گروه اجتماعی: معضل صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان روزهای اخیر بار دیگر به صدر اخبار بازگشته است. سیدکاظم دلخوش، معاون تقنینی ریاست‌جمهوری، پنجم شهریور خبر از تقدیم لایحه‌ای به مجلس داد که براساس آن «تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی» اصلاح شده و «امکان صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان» فراهم شود. بلافاصله پس از آن غلامعلی غضنفرآبادی، نائب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس دیروز تأکید کرد که صدور این گواهینامه «به‌طور کلی ایراد قانونی ندارد» و اگر لایحه در مجلس مطرح شود، بعید به نظر می‌رسد که نمایندگان مخالفتی با تبدیل شدن آن به قانون داشته باشند. اظهارنظرهای پی‌درپی مسئولان، بارقه امید در میان زنان موتورسوار ایجاد کرده که سرانجام این مطالبه چند ساله می‌تواند قانونی شود.

با این حال سخنان مطبوعاتی در دولت، تناقض‌هایی آشکار داشت. همزمان با گزارش ارسال لایحه از سوی دلخوش، سخنگوی دولت در نشست خبری یازدهم شهریور ماه تصریح کرد که «صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان هیچ منع قانونی ندارد» و دولت به همین جهت روی لایحه‌ای کار نکرده است. زهرا بهروزآذر، معاون امور زنان رئیس‌جمهوری نیز اعلام کرد: «برای موتورسواری خانم‌ها نیاز به قانون و مقررات جدید نداریم» و مساله را با قوانین موجود قابل حل دانست. این موضع‌گیری‌ها نشان می‌داد، برخی در دولت اعتقاد دارند با قوانین فعلی نیز می‌توان موتورسواری بانوان را عملیاتی کرد.

در مقابل، سایر دستگاه‌های دولتی تأکید کردند که قانون فعلی به روشنی صدور گواهینامه را برای زنان ممنوع کرده است. چنانکه معاون عملیات پلیس راهنمایی و رانندگی، سردار محمدباقر سلیمی به صراحت گفت: «صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان طبق قوانین و موازین منع شده است». رئیس پلیس راهور نیز در اظهاراتی مشابه تأکید کرد که رانندگی با هر وسیله موتوری زمینی بدون گواهینامه «نه‌تنها تخلف بلکه جرم است» و اگر فرد فاقد مجوز در حادثه‌ای مقصر شناخته شود «قانون از او پشتیبانی نخواهد کرد». این فرمانده انتظامی اضافه کرد که در صورت وقوع حادثه، رانندگان موتورسیکلت فاقد گواهینامه «مشمول بیمه هم نمی‌شوند و از نظر حقوقی با مشکل جدی مواجه خواهند شد». نکته مهم آنکه

اظهارات پایس ناشی از متن تبصره ماده ۲۰ فعلی است که مسئولیت صدور گواهینامه موتورسیکلت را بر عهده ناجا برای «مردان» دانسته و در مورد زنان حرفی نزده است. به بیان حقوق‌دانان این خلأ در قانون به اشتباه به عنوان منع کامل تفسیر شده است.

درست در میانه این کشمکش‌ها، جمعیت فرآینده زنان موتورسوار و نیازهای واقعی آنان موضوع را به «مطالبه‌ای اجتماعی» تبدیل کرده است. زنان امروزی نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و بسیاری از آنها در شهرهای بزرگ مانند تهران، مشهد و یزد به دلیل گرانی خودرو، حجم بالای ترافیک و فاصله‌های شهری ترجیح می‌دهند از موتورسیکلت استفاده کنند. در سال‌های اخیر عواملی چون شرایط اقتصادی سخت و مشکلات ترافیکی باعث شده، موتورسیکلت گزینه‌ای کم‌هزینه و سریع برای انجام امور روزانه باشد؛ حتی تعدادی از بانوان مشتاق ثبت‌نام و دریافت گواهینامه رانندگی با موتورسیکلت برای تردد به محل کار یا خرید شده‌اند. افزون بر آن، سوار شدن موتورسیکلت برای جلوگیری از آلودگی هوا و ترافیک شهر هم از دیدگاه مدیریت شهری یک مزیت بالقوه به شمار می‌رود.

اما در غیاب شفافیت قانونی این زنان ناگزیر به رانندگی بدون گواهینامه روی آورده‌اند. گزارش‌ها نشان می‌دهد، زنی که با موتور بدون مجوز براند نه تنها بیمه شخص ثالث به خسارت‌های وارد شده به دیگران را نمی‌دهد بلکه شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت به افراد زیان‌دیده، برای بازپایی مبالغ پرداختی دقیقاً به راننده فاقد گواهینامه بازمی‌گردد. اگر موتور فاقد بیمه شخص ثالث باشد نیز صندوق جبران خسارت‌های بدنی تا حدی وارد عمل می‌شود اما خسارت‌های مالی بر عهده خود راننده بی‌گواهینامه خواهد بود. افزون بر این، فارغ از مقوله بیمه، یک موتورسیکلت‌سوار بدون مجوز از حقوق حفاظتی قانونی هم محروم است. در صورت بروز تصادف، فرد فاقد گواهینامه نمی‌تواند از مزایای بیمه اجباری استفاده کند و خسارتی به خود او پرداخت نخواهد شد. بنابراین تا روشن شدن تکلیف قانونی، میلیون‌ها بانوی موتورسوار بالقوه در معرض پیامدهای مالی و قضایی سنگینی هستند. همان‌طور که برخی مسئولان نیز اشاره کرده‌اند، در این وضعیت نامشخص امنیت همه استفاده‌کنندگان از معابر خدشه‌دار می‌شود.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راده، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۸۹

ادامه پنج‌شنبه ۴ اسفند

بحران در ترکیه

مشارجات سیاسی و اعلامیه‌پراکنی علیه قوه قضاییه ادامه دارد و قوه قضاییه هم احضارها و محاکمات افراد مزاحم را بدون توجه به فشارها ادامه می‌دهد.

در ترکیه پس از انتشار خبر مشاجره رییس‌جمهور و نخست‌وزیر، اقتصاد کشور دچار بحران شد و ارزش سهام در بورس‌های ترکیه تا ۱۸ درصد تسزل کرد و خروج ارز از کشور سرعت گرفت. اعلان شد، طرف دو روز این اختلاف ۵ میلیارد دلار به اقتصاد کشور خسارت وارد کرده است. ضمناً اعلان شد که نرخ ارز شناور می‌شود که پیش‌بینی شده، لیر ترکیه که بسیار ضعیف است، باز هم سقوط بیشتری خواهد کرد. خرابی بنیه اقتصادی ترکیه در حدی است که با چنین حوادثی دچار شوک‌های شدیدی می‌شود.

آمریکا، امشب هم شمال عراق را به نشانه تداوم سیاست فشار بر صدام بمباران کرده. در ژاپن، فشار زیادی روی [یوشیرو موری]، نخست‌وزیر برای استعفا وارد می‌شود؛ به بهانه عدم اقدام مناسب در جریان غرق شدن یک کشتی ژاپنی توسط یک زیردریایی آمریکا در اطراف هاوایی و ناپدید شدن ۹ نفر.

ادامه یادداشت روز

چالش سن ومدرسه

در نتیجه با توجه به آنچه گفته شد ۶ سالگی همچنان سن بهینه برای آغاز تحصیل در ایران است. حتی شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، ورود در ۷ سالگی در برخی نظام‌های موفق به نتایج آموزشی بهتری منجر شده است. بنابراین هرگونه تغییر در این حوزه باید با دقت، پژوهش گسترده و آماده‌سازی زیرساخت‌ها انجام گیرد.

امروز بیش از هر زمان دیگر باید بر این اصل پای فشاریم که کودک، محور اصلی سیاست‌گذاری آموزشی است. مدرسه نباید محل آزمون و خطای سیاست‌های عجولانه باشد. اگر قرار است تحولی رخ دهد باید در جهت ارتقای کیفیت آموزش، تقویت مهارت‌های زندگی و ایجاد محیطی شاد و بازی‌محور برای کودکان باشد. تنها در این صورت می‌توان امیدوار بود که مدرسه نه بار اضافی بر دوش کودک که پلی مطمئن برای ورود او به زندگی بزرگسالی باشد.

کاسب سنتی

درباره اسدالله عسگراولادی که ۶ سال از مرگ او گذشت

علیرضا گوهری

روزنامه‌نگار

در بازار تهران، جایی میان عطر زیره و صدای چکش کاری حجره‌ها، اسدالله عسگراولادی قد کشید؛ مردی که ۶ سال پیش درگذشت و امروز سالگرد درگذشتش است و نامش هنوز در حافظه اقتصاد سنتی ایران

طنین دارد. او نه فقط تاجر بود بلکه معمار مناسباتی شد که از دل بازار تا قلب سیاست امتداد یافت. سال‌ها در سایه برادر بزرگ‌ترش، حبیب‌الله عسگراولادی، چهره پرنفوذ موقوفه، ایستاد؛ اما این سایه‌نشینی برای برادر کوچک‌تر سکوت نبود بلکه تمرین قدرت بود. او با چهره‌ای آرام و صدایی شمرده، توانست اعتماد روحانیون سنتی و محافظه‌کاران را جلب کند؛ نه با شعار بلکه با ثبات و وفاداری به ساختارهای سنتی.

اسدالله از آن دسته مردانی بود که قدرت را نه در تریبون‌ها بلکه در شبکه‌های نامرئی اعتماد و اعتبار می‌دید. تجارت زیره‌اش، که در نگاه اول شاید ساده به نظر برسد، در واقع بعدها به یک امپراتوری اقتصادی تبدیل شد که بر پایه رابطه، نفوذ و وفاداری بنا شده بود. او می‌دانست که در ایران، قدرت نه فقط در مجلس و دولت بلکه در نبض بازار و نگاه علماست. در جلسات موقوفه، در دیدارهای خصوصی با سیاسیون و در نشست‌های تجاری، همواره نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کرد که هم به سود می‌اندیشید و هم به ثبات سیاسی.

او از دل سنت برخاست اما درک دقیقی از تحولات زمانه داشت. در

دهه‌های پرتنش پس از انقلاب، وقتی بسیاری از تجار سنتی یا به حاشیه رانده شدند یا در ساختارهای جدید گم شدند، عسگراولادی با مهارتی کم‌نظیر توانست، جایگاه خود را حفظ کند. او نه اهل جنجال بود و نه مشتاق دیده شدن؛ بلکه در سکوت، با تلفن‌هایی که شنیده نمی‌شدند و جلساتی که ثبت نمی‌شدند، مسیرهای قدرت را هموار می‌کرد. در ساختار موقوفه که خود ترکیبی از بازار و سیاست بود، عسگراولادی نقش چسبی را ایفا می‌کرد که اجزای پراکنده را به هم متصل نگه می‌داشت.



او در عین وفاداری به اصول سنتی، نگاه عمل‌گرایانه‌ای به اقتصاد داشت. زیره برایش فقط کالایی برای تجارت نبود بلکه نمادی از پیوند میان خاک، بازار و سیاست بود. او می‌دانست که یک تاجر موفق باید نه فقط با قیمت‌ها بلکه با مناسبات قدرت آشنا باشد. در سال‌هایی که تحریم‌ها، نوسانات ارزی و بحران‌های سیاسی، اقتصاد ایران را لرزاندند، عسگراولادی با شبکه‌ای از روابط سنتی و اعتمادهای دیرینه، توانست امپراتوری‌اش را حفظ کند؛ امپراتوری‌ای که نه در برج‌های شیشه‌ای بلکه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت

ثبتي و اراضي و ساختمانهای فاقد سند رسمي

قطعه باغ به مساحت ۷۴۶۶/۶۲ متر مربع پلاک ۵۳ اصلی واقع در قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد

شناسه آگهی: ۲۰۰۱۱۷۷

. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

شعبان عسگری – رئیس ثبت اسناد و املاک

۱ برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۶۲۴۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ کلاس ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۲۰۰۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جعفر کاظمی به شناسنامه شماره ۱۵۸۸۵۲/۴۳۲۱۳۰۸۸۵۲ فرزند احمد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۷۶۹/۵۸ متر مربع از اراضی روستای الولک در پلاک ۵۳ اصلی واقع در قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین محرز گردیده است.

۲ برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۷۸۲۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ کلاس ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۲۰۰۶ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهدی کاظمی به شناسنامه شماره ۴۳۱۰۴۹۴۳۶۶ کدملی ۴۳۱۰۴۹۴۳۶۶ صادره قزوین فرزند احمد در ششدانگ یک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۳۳۹۶ مورخ ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۲۴/۰۳/۲۶ پرونده کلاس ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۱۹۰۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مالکیت آقای محسن شیرشکن به شناسنامه شماره ۱۱۱۴ کدملی ۴۳۲۳۳۳۲۶۵۳ صادره از قزوین فرزند رضا در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری باغ با حفظ حقوق احتمالی حرائم به مساحت ۱۳۵۰ متر مربع پلاک شماره ۲۸ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین خریداری داری بلاواسطه از محب اله نصری فرزند نعمت اله تأیید و محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۱۹۹۲۱۳۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴

صمد قدیم آبادی –رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو قزوین

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۳۳۹۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۶ پرونده کلاس ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۱۹۰۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مالکیت آقای صمد شیر شکن به شناسنامه شماره ۸۶۴ کد ملی ۴۳۲۲۷۶۶۷۶۵ صادره از قزوین فرزند رضا در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری باغ با حفظ حقوق احتمالی حرائم به مساحت ۱۳۵۰ متر مربع پلاک شماره ۲۸ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین خریداری بلاواسطه از محب اله نصری فرزند نعمت اله تأیید و محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴
صمد قدیم آبادی
رئیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی: ۱۹۹۲۱۳۲

در حجره‌های قدیمی بازار شکل گرفته بود. او از آن نسل بود که سیاست را نه در قالب رقابت‌های حزبی بلکه در قالب پیوندهای انسانی و دینی می‌فهمید. برایش موقوفه نه یک حزب بلکه یک خانواده بود؛ خانواده‌ای که در آن وفاداری، سکوت و خدمت بی‌ادعا ارزش داشت. شاید به همین دلیل بود که هرگز به چهره‌ای رسانه‌ای بدل نشد اما در پشت پرده، مورد مشورت بسیاری از تصمیمات مهم اقتصادی مدیران قرار می‌گرفت. او از آن مردانی بود که قدرت را نمی‌خواست اما قدرت به سراغش می‌آمد؛

چون می‌دانست چگونه میان سنت و سیاست، تعادل برقرار کند. عسگراولادی در عین حال که به اصول وفادار بود، اهل معامله نیز بود؛ معامله نه به معنای سازش بلکه به معنای فهم دقیق منافع متقابل. او می‌دانست که در ساختار قدرت ایران، بقای اقتصادی بدون پیوند سیاسی ممکن نیست. از همین رو در بزنگاه‌های حساس، نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کرد که هم برای بازار سود داشت و هم برای نظام ثبات. او از آن دست مردانی بود که در جلسات خصوصی با یک جمله، مسیر تصمیم‌گیری را تغییر می‌داد؛ بی‌آنکه نامش در صورت‌جلسه‌ها ثبت شود. در سال‌های پایانی عمرش کمتر در محافل عمومی دیده شد اما همچنان در جلسات خاص صدایش شنیده می‌شد. مرگش شاید پایان یک زندگی بود اما آغاز بازخوانی نقشی شد که کمتر در رسانه‌ها بازتاب یافت. نقش مردی که از دل بازار برخاست، بی‌سروصدا اما با تأثیر. او نه قهرمان بود و نه ضدقهرمان؛ بلکه نماد نسلی از بازاریان سیاسی که میان سود و سنت، راهی برای بقا و نفوذ یافتند. عسگراولادی را باید نه در تیرهای خبری بلکه در لایه‌های پنهان قدرت شناخت؛ جایی که

سیاست با تجارت دست می‌دهد و وفاداری با نفوذ معامله می‌شود.

امروز در سالگرد درگذشتش شاید بازاریان و حجره‌داران به یادش لحظه‌ای درنگ کنند و به یاد مردی بیفتند که در سکوت، در سایه و در وفاداری، نقش‌آفرینی کرد. اسدالله عسگراولادی نماد پیوندی بود که امروز کمتر دیده می‌شود: پیوند میان خاک، بازار، دین و سیاست. و شاید همین پیوند، میراثی باشد که از او باقی مانده است. او را باید در حافظه بازار جست‌وجو کرد نه در آرشیوهای رسمی؛ در نگاه پیرمردی که هنوز زیره می‌فروشد و در سکوتی که گاه از یک فریاد مؤثرتر است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

و اراضي و ساختمانهای فاقد سند رسمي

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۷۸۲۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ کلاس ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۰۷۱۸ موضوع قاتون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم وایانا مرتضائی به شناسنامه شماره ۴۳۱۲۸۶۲۷۳۷ کدملی ۴۳۱۲۸۶۲۷۳۷ صادره قزوین فرزند حبیب در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۰۰ متر مربع پلاک از ۳۲ اصلی واقع در بخش ۴ واقع در بساتین جنوبشرق قزوین حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۰۰۱۲۲۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

شعبان عسگری
رئیس ثبت اسناد و املاک